**تصمیم‏گیری، تاریخچه و مفاهیم**

آیا تصمیم‏گیری، پدیده‏های عجیب و ناشناخته ای است یا آنکه کار راحت و ساده ای است؟ هنوز معلوم نیست که چگونه، چه موقع و کجا تصمیم ساخته و پرداخته می شود. به گفته ی مدیر عامل شرکت جنرال موتورز «اغلب سخت است که بگویم که چه کسی و چه موقعی تصمیم گرفته است و حتی چه کسی مبدأ تقصیم بوده است. غالباً من نمی دانم در جنرال موتورز چه موقع تصمیم گرفته می شود؟ من به خاطر نمی آورم که در یک جلسه کمیته ای بوده باشم و مسائل به رأی گیری گذارده شود. معمولاً یک نفر مسائل را خلاصه می نماید. دیگران با تکان دادن سر یا ابراز نظر خود به اجماع می رسند» (کوبین[[1]](#footnote-1)، 1980) مطالعه مفهوم و ماهیت تصمیم‏گیری، کار و مشکل است و این ناشی از هنگامی که می گوییم تکلیف چیزی را معین کرده ایم، درباره موضوعی به توافق رسیده ایم، مسئله ای را حل و فصل کرده ایم، به نتیجه ای رسیده ایم، جواب پیدا نموده ایم و... در تمامی این موارد منظورمان این است که تصمیمی اتخاذ شده است و با اتخاذ این تصمیم، جریان یا فرآیندی به پایان رسید و خاتمه یافته است. مشکل در این است که سرانجام و پایان یک فرآیند را می توان شروع و آغاز فرآیندی دیگر تلقی کرد. در نتیجه با آغاز دهه 1950 میلادی شاهد حرکت و فعالیتی در زمینه ماهیت، فرآیند و تئوری های تصمیم‏گیری هستیم که به مرور شتاب مصرس و قابل ملاحظه ای به خود گرفته است. (مظاهری، 1379). این مفهوم در مدیریت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و پس از آن تئوری ها طرح ها و تعاریف فراوانی در این زمینه ارائه شده است، در زیر بعضی از این تعاریف آورده شده است.

**تعریف تصمیم‏گیری**

تصمیم گرفتن در لغت به معنی، اداره کردن، قصد کردن آمده است (دهخدا) رادفر و همکاران (1387) تصمیم‏گیری را فرآیند پیچیده ای می دانند که شامل انواع توانایی های فکری و نیز داشتن اطلاعات در مورد تصمیمی که می‏خواهیم بگیریم می باشد. الوانی (1385) تصمیم‏گیری را عبارت از انتخاب یک راه میان راه‏های مختلف می داند.

تصمیم‏گیری، عبارت از مطالعه، شناسایی و انتخاب گزینه‏ها براساس ارزش ها، اولویت ها و توجیهات تصمیم گیرنده است. تصمیم‏گیری، شامل چندین مرحله است، به این ترتیب که ابتدا باید به مشخص نمودن گزینه‏ها پرداخت و سپس بهترین گزینه را که هماهنگ با اهداف، نحوه زندگی، ارزش ها و خواسته‏های افراد است، برگزید. (هریس[[2]](#footnote-2)، 1998)

تصمیم‏گیری، عبارت از فرآیند انتخاب ممتازترین گزینه با قاعده از میان سایر گزینه‏هاست. تصمیم‏گیری، در کلیه جنبه‏های زندگی شامل تصمیم در خصوص خرید، رأی گیری، انتخاب شغل و... دخالت دارد. تصمیمات معمولاً با عدم اطمینان در خصوص دنیای خارجی و تعارضات، اولویت ها و رجحان های شخصی همراهند و فرآیند تصمیم‏گیری اغلب با مرحله جمع آوری اطلاعات شروع شده و پس از ارزیابی احتمالی تا آخرین مرحله که انتخاب است، پیش می رود. (شافیر[[3]](#footnote-3)، 1993) طبق تئوری ساختار برتر[[4]](#footnote-4) مونت‏گومری[[5]](#footnote-5) (1983)، تصمیم‏گیری در واقع جست و جو برای دستیابی به ساختار برتر می باشد. به عبارت دیگر تصمیم‏گیری عبارت است از تلاش برای یافتن برترین گزینه، به طوری که حداقل در یک خصوصیت از سایر گزینه‏ها ارجع و از نظر سایر خصوصیات نیز از هیچیک از موارد کمتر نباشد. طبق فرض، جست و جو برای یافتن ساختار برتر طی چهار مرحله صورت می گیرد:

الف: بازنگری اولیه – جمع آوری گزینه‏های مختلف و خصوصیات مرتبط با هر یک.

ب: یافتن گزینه برتر (احتمالی).

ج: ارزیابی گزینه برتر از نظر برتری نسبت به سایر گزینه‏ها.

د: ساختار برتر، بازنمایی روان شناسانه از گزینه‏ها در صورت انتخاب مورد برتر.

تصمیم‏گیری عبارت از فرآیند انتخاب از میان چند گزینه، اجرای تصمیم و استفاده از اطلاعات باز خوردی پیامدهای تصمیم برای استفاده در تصمیمات بعدی است. تصمیم‏گیری شامل اجزاء پردازش و پیامد است که هر کدام به تنهایی و یا توأماً برای سنجش کارآمدی تصمیم اتخاذ شده، مورد استفاده قرار می گیرند. جزء پردازش شامل تشخیص مسئله، قضاوت در خصوص اهمیت مسئله برای فرد یا گروه (اگر مسئله مهم نباشد، پردازش در همین مرحله به پایان می رسد)، جست و جو برای یافتن گزینه‏ها و ارزیابی هر یک (در صورت مهم تشخیص دادن مسئله) و انتخاب یک گزینه برای پیشگیری یا پاسخ به مسئله است. جزء پیامد، شامل تکمیل یا اجرای یک فعالیت متعاقب انتخاب گزینه و متناسب با آن و ارزیابی نتایج است. (گوردن[[6]](#footnote-6)، 1997) نمودار 2-1 این اجزاء را نشان می دهد.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تصمیم‏گیری |  پردازشپیامد |  - تشخیص - تعیین اهمیت مسئله - جست و جو برای یافتن گزینه‏ها و ارزیابی تحریک - انتخاب یک گزینه - اجرای تصمیم - ارزیابی نتایج و پیامدهای تصمیم |

**اجزاء تصمیم‏گیری**

**تفاوت های فردی در تصمیم‏گیری**

تصمیم‏گیری بخش مهم و حیاتی در زندگی است. برخی افراد نسبت به دیگران در تصمیم‏گیری موفق ترند. درک این حقیقت در 20 سال گذشته، توجه قابل ملاحظه ای نسبت به متغیرهای مؤثر بر تصمیمات افراد به خود جلب کرده است. (لیبی[[7]](#footnote-7)، لوفت[[8]](#footnote-8)، 1993). این متغیرها در طیفی از متغیرهای فیزیولوژیکی تا متغیرهای روان شناختی قرار دارند، توجه به تفاوت های فردی بر مبنای مدل رابطه متقابل ویژگی های موضوع مورد تصمیم‏گیری و ویژگی های فردی تصمیم گیرنده، باعث شکل گیری رفتار تصمیم‏گیری شده است.

پژوهش‏های صورت‏گرفته در زمینه تصمیم‏گیری نشان می دهند که افراد به کمک عواملی مشخص به تصمیماتی متفاوت می رسند. این عوامل به ویژگی های افراد یا دانش آن ها مربوط است.

منظور از ویژگی های افراد همان تفاوت های فردی است که از سبک های شناخت، سبک های انگیزش و شخصیت ناشی می شود. عواملی که به دانش مربوط می شوند، شامل استعدادهای پردازش، توانایی های فطری و تخصصی دانش قبلی.

پژوهش های صورت گرفته نشان دهنده تأثیر اطلاعات بر فرآیند تصمیم‏گیری است. شواهد، نشان دهنده تأثیر عواملی چون جنس، نوع شخصیت، سبک شناختی، محیط بر قضاوت و تصمیم‏گیری ها است. بررسی ادبیات تصمیم‏گیری، فرآیند زیر را برای دستیابی به تصمیم یا حل مسأله پیشنهاد می‏کند.

**تصمیم یا راه حل**

**کسب اطلاعات**

**پردازش یا ارزیابی**

**فرآیند تصمیم‏گیری یا حل مسئله**

به نظر می رسد که اگر همه ی افراد اطلاعات را به یک صورت به دست آورند و پردازش کنند، به تصمیمات و راه حل های یکسان می رسند. ولی بررسی های گوناگون در روان شناسی، حسابداری، مدیریت، بازاریابی و حسابرسی نشان دهنده ی این است که افراد در مرحله ی کسب و ارائه ی اطلاعات به نتایج یکسان نمی رسند. پژوهشگران دریافته اند که اگر تصمیم گیرندگان از استراتژی های تصمیمی استفاده کنند که متناسب با وظیفه ی مربوطه باشد، کیفیت قضاوت افزایش می یابد. (اسمیت و ماکسیم[[9]](#footnote-9)، 1999).

نتیجه‏ی برخی دیگر از پژوهش ها (وسلی[[10]](#footnote-10)،2004) بیان می‏کند که افراد متفکر دارای سبک «شناخت تفکری» در عملکرد قضاوت از رویکرد خطی استفاده می‏کنند و در تصمیم های تاکتیکی عملکرد بهتری دارند. همچنین پژوهش ها نشان می دهند که بین تفاوت های فردی و شرایط تصمیم‏گیری رابطه وجود دارد. افراد تحلیلی در وظایف تحلیلی و در شرایطی که مستلزم تشریح فرآیندهای منتهی به تصمیم خود هستند، بهتر عمل می‏کنند (شرایط مستدل) و افراد مشهوری در وظایف تجربی (مشاهده ای) و در شرایطی که ملزم نیستند دلیلی برای تصمیم خود ارائه دهند (شرایط کنترل کننده) عملکرد بهتری دارند. وابستگی متقابل سبک شناختی، شرایط تصمیم و موضوع مورد تصمیم در شکل زیر نشان داده شده است.

**عملکرد تصمیم گیری**

**مورد تصمیم گیری (وظیفه)**

**تفاوت های فردی**

**شرایط تصمیم گیری**

**مدل مفهومی سه جانبه در کیفیت تصمیم‏گیری**

در صورتی که موضوع مورد تصمیم، شرایط تصمیم و تفاوت های فردی متناسب با یکدیگر باشند با اثربخشی عملکرد افزایش و خطر ارائه ی اظهار نظر نادرست کاهش می یابد. بلکویی نیز به نقش تفاوت های فردی (تحلیل و شهود) بر تصمیم‏گیری اشاره کرده است.

حس کردن مستلزم دریافت اطلاعات از طریق استنباط است و در این فرآیند بر جزئیات، زمان، مکان و جنبه‏های عملی تأکید و تمرکز می شود برعکس، دانش شهودی مستلزم کسب اطلاعات از طریق تصور و خیال است و بر کل و جنبه‏های آرمانی و رویدادهای مغروض تأکید می شود و به دوره‏های بلند مدت توجه می شود. اندیشیدن با استدلال سر و کار دارد که امری غیر رسمی است و با استفاده از عبارت ها و اصطلاحات نظری، فنی و علمی (تجربی) بیان می شود. از سوی دیگر، احساس منجر به تصمیم‏گیری هایی می انجامد که بر مبنای قضاوت فردی صورت می پذیرند و بیشتر بر ارزش های انسانی، مسائل اخلاقی و معنوی تکیه دارد. (وسلی، 2004)

**فرآیندهای شناختی در تصمیم‏گیری**

فرآیندهای شناختی مجموعه ای از فرآیندهای ادراک، قضاوت و گزینه‏های تصمیم است که در برگیرنده ی تبدیل و تعدیل اطلاعات در ارتباط با رفتار تصمیم گیرنده در رویارویی با اطلاعات است. قضاوت های تصمیم گیرندگان، تجزیه و تحلیل و درک آن ها اثر اطلاعات را تعیین می‏کند. گزینه‏های تصمیم تحت تأثیر فزاینده ی ادراک و قضاوت قرار می گیرد، اهمیت استفاده ی تصمیم گیرندگان از اطلاعات بسیار حیاتی است، زیرا ممکن است بر درک و شناسایی اطلاعات مهم مؤثر باشد و پیامد آن، چگونگی اثر اطلاعات بر گزینه‏های تصمیم آنان را تحت تأثیر قرار می دهد، فرآیندهای شناختی شامل موارد زیر است:

ادراک: فرآیندهای ذهنی یا روانی است که گزینش و سازماندهی اطلاعات حسی و در نهایت معنا بخشیدن به آن ها را به گونه ای فعال بر عهده دارد.

قضاوت: این فرآیند با توجه به سطح یادگیری تصمیم گیرنده، مستلزم تجریه و تحلیل اطلاعات درک شده است. قضاوت یا تجزیه و تحلیل و تفسیر، نتیجه یا حاصل مجموعه‏هایی از فرآیندهایی است که به وسیله ی آن ها شخص اطلاعات را مرتب و در آن ها تجدید نظر می‏کند. قضاوت تصمیم گیرندگان تعیین می‏کند که چه تصمیمی باید گرفته شود. در مرحله ی ادراک، یک تحلیل مقدماتی از اطلاعات به عمل می آید. پس از آن در مرحله ی قضاوت بر مبنای اطلاعات از صافی می گذرد و تحلیل عمیق تری روی آن صورت می پذیرد. (گلدبرگ ،1998 ،به نقل از کرمی 1388 )

تصمیم‏گیری: فرآیند تصمیم‏گیری مستلزم ادراک اطلاعات و قضاوت نسبت به آن ها است، ادارک بر گزینه ی تصمیم‏گیری اثر می گذارد. یعنی ممکن است تصمیم گیرندگان برای تصمیم‏گیری به اطلاعات مشابه قبلی اتکا کنند بدون آنکه تحلیل عمیقی از اطلاعات ارائه شده داشته باشند. در این صورت تصمیم‏گیری بر مبنای ادراک و بدون قضاوت به عمل آمده است. اما برخی تصمیم گیرندگان پس از قضاوت نسبت به اطلاعات ادراک شده تصمیم می گیرند. در واقع در این حالت، قضاوت تعیین کننده ی نوع تصمیم‏گیری است. (مسیح آبادی و همکاران، 1387)

**ابعاد تصمیم‏گیری**

تصمیم‏گیری می تواند با تمرکز گرایی و رسمیت کم یا زیاد همراه باشد. گاهی اوقات اطلاعات نقش مهمی در اقدام به اتخاذ یک تصمیم ایفا می نمایند. گاهی اوقات نیز فرآیندهای قدرت، محتوی و مضمون تصمیم را تعیین می‏کنند. به طور کلی نتایج تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می دهد فرآیندهای تصمیم‏گیری عمدتاً به چهار بعد تقسیم می شود. (کوپمن و پرل[[11]](#footnote-11)، 1990)

1 - تمرکز[[12]](#footnote-12): میزان تمرکز یکی از پارامترهای مهم و اساسی در تصمیم‏گیری است.

2 - رسمیت[[13]](#footnote-13): یکی دیگر از ابعاد مهم، حدود یا قلمرویی است که تصمیم در آن اتخاذ می شود. گاهی تصمیمات طبق فرآیند سازمان یافته و رسمی اتخاذ شده، گاهی اوقات نیز انعطاف پذیرند.

3 – اطلاعات: اینکه تصمیم‏گیری بر چه اساسی انجام می شود و کدام اطلاعات زیر بنای اتخاذ یک تصمیم خاص هستند، اهمیت دارد.

4 – رویارویی[[14]](#footnote-14): این بعد از ابعاد تصمیم‏گیری، زمانی که فرآیند سیاسی تلقی می شود و هر کدام از طرفین براساس موقعیت و قدرت (خود) سعی دارند منافع شخصی را حفظ نمایند، اهمیت دارد و در واقع عبارت از زمینه ای است که میان فرآیندهای تصمیم‏گیری، رویارویی و تعارض به وجود می آورد.

**انواع تصمیم**

به اعتقاد هریس (1998) چند نوع تصمیم اساسی وجود دارد:

1 – تصمیم انتخابی[[15]](#footnote-15): تصمیمات بلی – خیر، این یا آن که باید قبل از انتخاب گزینه اتخاذ شوند، در این نوع، طبقه بندی می گردند. (آیا باید یک تلویزیون جدید خرید؟ آیا باید امسال به مسافرت رفت؟) تصمیم انتخابی براساس ارزیابی دلایل، مضرات و فواید اتخاذ می گردد.

2 – تصمیم میان چند جزء[[16]](#footnote-16): این تصمیم‏گیری شامل انتخاب یک یا چند گزینه از بین یک سری احتمالات است و هر انتخاب، متناسب با معیارهای از پیش تعریف شده افراد است.

3 – تصمیمات وابسته[[17]](#footnote-17): شامل تصمیماتی است که از قبل اتخاذ شده لکن تا زمانی که برخی شرایط خاص فراهم شود، به تعویق افتاده است. به عنوان مثال تصمیم گرفته اید اتومبیل خاصی بخرید در صورتی که با قیمت مناسب فروخته شود، یا تصمیم به نوشتن مقاله گرفته اید در صورتی که بتوانید دقت کافی برای آن در برنامه ریزی خود بگنجانید. اکثر افراد تصمیماتی از این دست اتخاذ می نمایند و فقط منتظر شرایط مناسب برای تحقق آن هستند. زمان کافی، انرژی، هزینه مناسب، قابلیت دسترسی، فرصت مناسب، تشویق و ترغیب، همگی عواملی هستند که می توانند امکان تحقیق تصمیمات متخذه را فراهم سازند.

به اعتقاد سیمون[[18]](#footnote-18) (1977) تصمیمات به دو دسته برنامه ریزی شده و غیر برنامه ریزی شده تقسیم می شوند:

در مسائل تکراری، منظم و سازمان یافته که روند تصمیم‏گیری کاملاً مشخص و مستلزم اقدام فوری است، تصمیم‏گیری ها برنامه ریزی شده است. در تصمیم‏گیری های برنامه ریزی شده، تأکید بر اجرای مراحل چهار گانه پردازش تصمیم‏گیری (تشخیص مسئله، تعیین اهمیت مسئله، جست و جو برای یافتن گزینه‏ها و ارزیابی هر یک و انتخاب یک گزینه) است. تصمیم‏گیری ها در مسائل غیر معمول و منحصر به فرد و مسائلی که به وسیله روش های عملی استاندارد قابل حل نیستند، برنامه ریزی نشده است. تصمیم‏گیری ها غیر برنامه ریزی شده نوعاً با عدم اطمینان بیشتری همراهند و در این تصمیم‏گیری ها بر فرآیند های شناختی مانند خلاقیت تأکید می شود. (نیکلسون[[19]](#footnote-19)، 1999)

**سطوح تصمیم**

برخی تصمیمات (چه در کوتاه مدت و چه در دراز مدت) مهم تر از سایر تصمیمات هستند، به اعتقاد هریس (1998) با توجه به درک اهمیت تصمیم، زمان و منابع مورد نیاز، سه سطح تصمیم‏گیری وجود دارد.

1 - راهبردی[[20]](#footnote-20): تصمیمات راهبردی در بالاترین سطح قرار دارند. تصمیم در این سطح، نیازمند مدیریت و کارگردانی عمومی بوده و متوجه اهداف دراز مدت، نگرش های فیلسوفانه و ارزش هاست. این تصمیمات، دارای حداقل سازمان یافتگی و بسیار تخیلی، با احتمال خطای زیاد و دارای پیامدهای بسیار نامطمئن هستند.

2 - تدبیری[[21]](#footnote-21): تصمیمات تدبیری از تصمیمات راهبردی حمایت نموده و نسبت به آن ها دارای دامنه محدودتر، اهمیت کمتر و پیامدهای ملایمتری هستند.

3 – کاربردی: این تصمیمات شامل تصمیمات روزانه بوده و از تصمیمات تدبیری حمایت می نمایند، این نوع تصمیمات معمولاً ساخت یافته بوده و اتخاذ آن ها نیاز به تفکر کمتری دارد. تأثیر آن ها فوری، کوتاه مدت و دارای دامنه بسیار محدود بوده و کم هزینه اند. پیامد منفی اتخاذ یک تصمیم بد بسیار کم خواهد بود. گرچه یک سری از تصمیمات کاربردی بود یا سر هم بندی شده، می تواند در دراز مدت آسیب رسان باشد.

**روند تصمیم‏گیری**

همه افراد حین تصمیم‏گیری در نوسان هستند. با حرکت گام به گام مطابق مراحل زیر می توان به این امر پی برد. (گلدبرگ ،1998 ،به نقل از کرمی 1388 )

1 – تعیین تصمیمی که با توجه به اهداف مورد دستیابی اتخاذ شود، وقتی درباره تصمیمی فکر می‏کنیم باید مطمئن شویم که اهداف را مد نظر قرار داده ایم.

2 – کشف حقایق، باید به خاطر داشت که درک تمام حقایق امکان پذیر نیست و تنها باید به یافتن حقایق (مربوط به تصمیم‏گیری) که در زمان محدود عرضه شده و تجزیه و تحلیل آن امکان پذیر است پرداخت. نداشتن اطلاعات کافی نباید موجب عدم تصمیم‏گیری شود. اتخاذ تصمیم براساس دانش ناکافی و نسبی بهتر از تصمیم نگرفتن در جایی است که تصمیم‏گیری لازم است.

3 – توسعه گزینه‏ها، باید از تمام گزینه‏ها حتی مواردی که قصد انتخاب آن ها وجود ندارد، لیستی تهیه شود، حتی انتخاب نکردن یک مورد نیز خود انتخاب است. اغلب عدم انتخاب بدتر است.

4 – درجه بندی هر گزینه، منظور از درجه بندی، ارزیابی ارزش هر گزینه است. در عین توجه به نکات مثبت باید به نکات منفی هر کدام از گزینه‏ها نیز توجه نمود، و به خاطر داشت که گزینه‏هایی به عنوان بهترین گزینه‏ها ارزیابی می شوند، ممکن است در دنیای واقعی، عملی و کارا نباشند زیرا مسائل جانبی به دنبال دارند.

5 – میزان ریسک هر گزینه، معمولاً در حل مسئله سعی بر این است که بهترین راه حل را یافته و از کار سازی راه حل انتخاب شده اطمینان حاصل شود. در تصمیم‏گیری نیز به همان میزان عدم اطمینان در انتخاب وجود دارد. ریسک و احتمال خطر را می توان به صورت کمی بیان نمود.

6 – ترجیحات و اولویت های شخصی، در اتخاذ تصمیم معمولاً به ترجیحات و اولویت های شخصی توجه می شود. حتی ممکن است ترجیحات دیگران نیز مد نظر قرار گیرد. راهی برای ادامه انتخاب شد، و ممکن است یک یا چند گزینه و یا هیچکدام انتخاب نشوند.

**اجزاء تصمیم‏گیری**

الف) محیط تصمیم: هر تصمیم در محیط خاص آن تصمیم که مشخصات آن عبارتند از: جمع آوری اطلاعات، گزینه‏ها، ارزش ها و اولویت های شخصی موجود در زمان تصمیم، اتخاذ می شود. یک محیط ایده آل تصمیم‏گیری شامل تمام اطلاعات ممکن، فعالیت های صحیح و همچنین گزینه‏های احتمالی است. به دلیل محدودیت زمانی، جمع آوری کلیه اطلاعات مورد نیاز و همچنین تمام گزینه‏های ممکن امکان پذیر نیست. منظور از محدودیت زمانی آن است که عملاً زمان محدودی برای تصمیم‏گیری (در یک مورد خاص) وجود دارد. می توان گفت نکته اصلی قابل بحث در تصمیم‏گیری، عدم اطمینان است و هدف اصلی تجزیه و تحلیل تصمیم‏گیری، کاهش عدم اطمینان و تردید است. از آن جایی که معمولاً جمع آوری تمام اطلاعات لازم برای تصمیم‏گیری میسر نیست. بنابراین همواره تصمیمات شامل مقدار متنابهی ریسک غیر قابل انکار و اجتناب ناپذیر هستند (حیدری و مرزوقی، 1391).

این حقیقت که تصمیمات باید در محیطی محدود اتخاذ شوند دو مسئله را پیشنهاد می نماید: اول آن که چرا علائم راهنما بسیار صحیح هستند و در اتخاذ تصمیمات بهتر از پیش بینی ها عمل می نمایند. با گذر زمان محیط تصمیم‏گیری توسعه یافته و اطلاعات جدید با گزینه‏های جدیدتر (حتی پس از اتخاذ تصمیم) پدیدار می شوند. نظر به اینکه محیط تصمیم‏گیری مرتباً در حال تغییر و پویاست. مسلح بودن به اطلاعات جدید (که در برگیرنده کلیه اطلاعات و همچنین علائم راهنمای قدیم و جدید است) موجب اتخاذ تصمیمات بهتر می شود.

دوم آنکه محیط تصمیم با گذر زمان وسعت یافته و حجم اطلاعات بیشتر می شود، لذا پیشنهاد می گردد تصمیم‏گیری تا آخرین زمان ممکن به تعویق افتد. به اعتقاد هریس (1998) تأخیر در تصمیم‏گیری تا آخرین درجه ممکن به سه دلیل عاقلانه است:

- محیط تصمیم وسیع تر شده، اطلاعات بیشتر در زمان کافی برای تفکر، فراهم می آید.

- گزینه‏های جدید شناخته و یا به وجود می آیند.

- تفکر و تعقل و همچنین کسب تجارت بیشتر، اولویت ها و ترجیحات تصمیم گیرنده‏ها را تغییر می دهد.

ب) تأثیر مقدار و کمیت بر تصمیم‏گیری: اکثر تصمیم گیرندگان تمایل به جست و جوی اطلاعات بیشتر برای تصمیم‏گیری بهتر دارند. دستیابی به اطلاعات بیشتر موجب بروز مشکلات زیر می شود. (نیکلسون، 1999)

1 – تأخیر در تصمیم‏گیری: تمایل به دستیابی به حداکثر اطلاعات، زمان مورد نیاز برای کسب و تجزیه و تحلیل اطلاعات اضافی را افزایش می دهد. این تأخیر می تواند موجب آسیب رساندن به تأثیر مناسب تصمیم در زمان خاص خود می شود.

2 – اشغال شدن بیش از اندازه ذهن: از آن جایی که حداکثر اطلاعات نهایتاً قابل مدیریت و ارزیابی نیستند، اطلاعات زیاد، ذهن را اشغال نموده و در نتیجه توانایی تصمیم‏گیری را کاهش می دهد. فراموشی مشکل عمده ای است که در این حالت ایجاد می شود زمانی که اطلاعات زیاد در مدت زمان کم به حافظه سپرده می شود. ناخودآگاه، برخی از این اطلاعات (عمدتاً مواردی که قبل از همه به حافظه سپرده شده اند) از ذهن خارج می شوند.

3 – استفاده انتخابی از اطلاعات: تصمیم گیرندگان از میان اطلاعات موجود، فقط حقایقی را که از پیش تعیین شده، حمایت می‏کنند و مورد استفاده قرار می دهند.

4 – خستگی ذهن: دریافت حجم گسترده اطلاعات موجب خستگی ذهن و در نتیجه کم کاری و پایین آمدن کیفیت کار می شود.

5 – خستگی در تصمیم‏گیری: به کارگیری حجم گسترده اطلاعات به منظور تصمیم‏گیری، موجب ایجاد خستگی در این امر می شود. اغلب دستیابی سریع به نتایج با بی دقتی همراه است و می تواند موجب اتخاذ تصمیمات ناقص و یا حتی بی تصمیمی می شود. کمیت اطلاعاتی که توسط انسان (در یک مورد خاص) مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد، بسیار محدود است. مگر آنکه اطلاعات، آگاهانه انتخاب شده و روند تجزیه و تحلیل داده‏ها در جهت اولین بخش اطلاعات دریافتی باشد، پس از آن، ذهن، اطلاعات جایگزین را نادیده گرفته و اطلاعات قدیمی تر نامربوط را نیز فراموش می‏کند(حیدری و مرزوقی، 1391).

ج) مفاهیم و تعاریف: مفاهیم زیر جزء لاینفک تصمیم‏گیری هستند.

1 – اطلاعات: منظور از اطلاعات دانشی در خصوص تصمیم، تأثیر هر یک از گزینه‏ها و احتمال هر گزینه است. در حالی که داشتن اطلاعات بسیار مطلوب است باید توجه داشت که این مطلب «اطلاعات بیشتر، بهتر است» نمی تواند درست باشد. اطلاعات بسیار زیاد، می تواند موجب کاهش کیفیت تصمیم‏گیری شود.

2 – گزینه‏ها[[22]](#footnote-22): گزینه‏ها، احتمالات و مواردی هستند که انتخاب از میان آن ها امکان پذیر باشد. گزینه‏ها قابل تغییر، قابل توسعه و در صورت عدم موجود، حتی قابل ایجاد هستند. تنها جست و جو برای یافتن گزینه‏های از قبل تعیین شده، می تواند باعث کاهش کیفیت تصمیم‏گیری شود و یا به عبارت دیگر موجب اتخاذ تصمیم با تأثیر کمتری شود.

3 - معیارها[[23]](#footnote-23): معیارها، مشخصه‏ها یا الزاماتی هستند که هر گزینه کم و بیش به آن نیاز دارد. معمولاً گزینه‏ها به نحوی طبقه بندی می شوند که هر کدام معیاری داشته باشد.

4 - اهداف[[24]](#footnote-24): چه چیزی را می خواهید تکمیل و یا اصلاح کنید. اکثر تصمیم گیرندگان بدون آنکه به اهداف واقعی خود اشراف داشته باشند، به جمع آوری گزینه‏های پردازنده اجزاء هدف باید در هر مرحله از تجزیه و تحلیل تصمیم‏گیری، مد نظر قرار گیرد.

5 – ارزش: ارزش به میزان مطلوبیت یک نتیجه اطلاق می شود. ارزش گزینه ممکن است به صورت مالی، رضایت بخش و یا سایر مزایا باشد.

6 – اولویت ها و ترجیحات[[25]](#footnote-25): اولویت ها منعکس کننده فلسفه و یا اخلاقیات تصمیم گیرندگان هستند. به عبارتی می توان گفت این مورد ارزش های تصمیم گیرندگان را نیز شامل می شود. گرچه این امر ممکن است موجب ایجاد ابهام (در استفاده از ارزش ها و اولویت ها) شود. در صورت استفاده از کلمه ارزش (در اینجا) می توان گفت ارزش های شخصی، اولویت ها را دیکته می‏کنند. برخی از افراد هیجان را به آرامش، برخی دیگر اطمینان را به ریسک، برخی کارایی را به زیبایی و برخی نیز کیفیت را به کمیت ترجیح می دهند. به هر حال افراد در تصمیم‏گیری، براساس ترجیحات فردی، سعی دارند مناسب ترین گزینه را انتخاب نمایند.

7 – کیفیت تصمیم: این مورد میزان خوب یا بد بودن را نشان می دهد. تصمیم خوب، تصمیمی است که عقلانی و براساس اطلاعات مفید اتخاذ شده و بازتاب ترجیحات و اولویت های تصمیم گیرنده است. کیفیت تصمیم به نتایج آن ارتباط ندارد. یک تصمیم خوب می تواند نتایج خوب و یا بد داشته باشد. گرچه ممکن است یک تصمیم بد (تصمیمی که براساس اطلاعات کافی و یا براساس اولویت ها اتخاذ نشده) نتایج خوبی در برداشته باشد. به عنوان مثال زمانی که براساس اطلاعات کافی و تجزیه و تحلیل مناسب در خصوص احتمال خطر و... اقدام به سرمایه گذاری در بخشی از صنعتی می نمایید. حتی چنان چه در این سرمایه گذاری متضرر شوید، تصمیم خوبی گرفته اید. به طور مشابه چنانچه از روی شانس اقدام به خرید سهام یک شرکت از لیست سهام نموده اید، تصمیم شما، تصمیم نادرستی است. اگرچه ارزش سهام آن بالا رود. تصمیم خوبی که منجر به نتایج بد می شود. مطلقاً عاملی برای مقصر بودن تصمیم گیرنده مصوب نمی شود. برای قضاوت در خصوص کیفیت تصمیم‏گیری، علاوه بر عوامل عقلانیت، استفاده مناسب از اطلاعات و انتخاب گزینه‏ها، سه عامل دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد:

الف) تصمیم باید دستیابی به اهداف مورد نظر را میسر سازد.

ب) تصمیم باید با توجه به هزینه‏ها، صرف انرژی و عوارض جانبی، اهداف را کامل، و به صورت کارآمد برآورده سازد.

ج) تصمیم باید پیامدها و منافع غیر مستقیم را مد نظر قرار دهد.

8 – پذیرش: افرادی که مکمل تصمیم هستند و یا تحت الشعاع تصمیمی اتخاذ شده قرار می گیرند، باید آن را از نظر عقلی و عاطفی بپذیرند. ممکن است یک تصمیم از نظر تکنولوژیکی حائز اهمیت باشد ولی از نظر اجتماعی، کارآمد منصوب نگردد. (همان منبع)

**راهبردهای[[26]](#footnote-26) تصمیم‏گیری**

معمولاً راه حل های زیادی برای حل یک مسئله ارائه می شود و وظیفه تصمیم گیرندگان انتخاب یکی از آن ها است. وظیفه انتخاب هم می تواند ساده و هم با افزایش درجه اهمیت تصمیم‏گیری، بسیار پیچیده باشد. تعداد و کیفیت گزینه‏ها براساس اهمیت، زمان، منابع در دسترس و... تعدیل می یابد. راهبردهای زیادی برای انتخاب به کار

می رود.( بوچانان و اوكانل[[27]](#footnote-27)، 2009)

قبل از بیان برخی از این راهبرها به مفهوم آن می پردازیم. «راهبرد» عبارت است از گروهی از فرآیندهای شناختی که می تواند در خدمت یکی از فرآیندهای تصمیم‏گیری مانند تجزیه و تحلیل موقعیت، ارزشیابی هدف یا برنامه ریزی قرار گیرد. به عبارت دیگر یک راهبرد، استنباطی از ساختار ایده آل یک سری فرآیندهای شناختی است. (راسموسن، پترسن[[28]](#footnote-28)، گودشتاین[[29]](#footnote-29)، 1994). از آن جایی که راهبردهای گوناگون درموقعیت های گوناگون به کار برده می شوند، اغلب جا به جایی در به کارگیری راهبردها اتفاق می افتد. برخی از این راهبردها به قرار زیر است. )هریس، 1998):

**1 – بهینه سازی:**

اساس این راهبرد کشف راه حل ها و گزینه‏های مختلف برای حل مسئله و انتخاب بهترین آن ها است. چگونگی کاربرد این راهبردها به شرایط زیر بستگی دارد:

الف) اهمیت مسئله

ب) زمان در دسترس برای حل مسئله

ج) هزینه به کارگیری هر یک از گزینه‏ها برای حل مسئله

د) منابع و معلومات در دسترس

هـ) ارزش ها و روان شناسی فردی

باید توجه داشت جمع آوری کامل اطلاعات و توجه به تمام گزینه‏ها برای اتخاذ بهترین تصمیمات به ندرت اتفاق می افتد.

**2 – رضایت بخشی**

در این راهبرد، اولین گزینه رضایت بخش**[[30]](#footnote-30)**، به جای بهترین گزینه انتخاب می شود. (در صورت گرسنگی، فرد ترجیح می دهد به جای یافتن بهترین رستوران، در اولین رستوران حتی سطح پایین توقف نماید). واژه رضایت بخش از دو واژه مناسب و کافی گرفته شده است.

**3 – بیشینه سازی**

این واژه به معنای به حداکثر رساندن بیشینه‏ها یا ماکزیمم هاست[[31]](#footnote-31). این راهبرد بر تشخیص و سپس ارزیابی گزینه‏های مختلف، براساس بیشترین سود دهی و منفعت بنا نهاده شه است. (هریس، 1998) راهبرد بیشینه سازی**[[32]](#footnote-32)** مثالی برای مدل غیر جبرانی[[33]](#footnote-33) در تصمیم‏گیری است. با استفاده از این راهبرد، گزینه ای با بالاترین رتبه در مهم ترین ویژگی انتخاب می شود. (کلاین[[34]](#footnote-34)، 1991)، زمانی که احتمال ریسک و خطرپذیری، زیاد ولی قابل قبول است و همچنین زمانی که فلسفه ی «حتی اگر قرار است شکست بخوری، برو» مد نظر تصمیم گیرنده باشد، این راهبرد مناسب است. (هریس، 1998)

**4 – برجسته سازی حداقل**

این واژه به معنای به حداکثر رساندن حداقل ها یا مینیمم هاست. در این راهبرد که بدبینانه به قضیه می نگرد، بدترین پیامد احتمال ممکن هر تصمیم مورد توجه است و تصمیمی با بیشترین مینیمم اتخاذ می شود. هنگامی نتایج یک تصمیم ناموفق، زیان آور و نامطلوب است، معمولاً از این راهبرد استفاده می شود. این راهبرد بر ارزش حفاظت شده و یا ضمانت های بازگشتی یک تصمیم تأکید دارد. فلسفه ای که از این راهبرد حمایت می‏کند، عبارت است از: «سیلی نقد به از حلوای نسیه است».

مطالعات و بررسی ها نشان می دهد عدم اعتماد میان افراد زمانی شایع می شود، که ایشان برای انتخاب راهبرد بیشینه سازی و یا برجسته سازی حداقل مطمئن نیستند. (همان منبع)

**سبک های تصمیم‏گیری**

افراد از راهبردهای مختلفی برای تصمیم‏گیری استفاده می‏کنند.برخی تصمیمات به واسطه ارزیابی نظام‏دار گزینه‏های مختلف اتخاذ می شود. در حالی که در اتخاذ برخی تصمیمات تجزیه و تحلیل رسمی، کمتر دخالت دارند (رینالد ،کروزیر و اسونسون1997). در اين‏باره محققان سبك‏هاي تصميم‏گيري متفاوتي را ارائه نموده اند. يكي از اين محققان، اسكات و بروس (1995) هستند كه پنج سبك تصميم‏گيري مديران را كه شامل تصميم‏گيري عقلايي، شهودي، اجتنابي، آني و وابستگي است، را مطرح نموده اند و معتقدند این پنج سبک تحت تاثیر ویژگی های درونی و شخصیتی افراد است كه به عنوان الگو در اين پژوهش مورد بررسي قرار مي گيرد.

**سبك تصميم‏گيري عقلاني**: در این سبک تصمیم‏گیری فرد از همه راه حل ها مطلع است و مي داند كه هر تصميمي به چه نتيجه اي مي انجامد و مي تواند نتايج حاصل از تصميم‏گيري را بر حسب اولويت (بيشترين نفع) مرتب و سازماندهي كند (ابرلین،2005). تا با استفاده از يك استراتژي بهينه سازي حصول به اهداف را به حداكثر رساند (هی و میسکل[[35]](#footnote-35)، 2008). بنابراين افراد در اين سبك تمامي راه حل هاي ممكن را تعيين و ارزشيابي نموده و با تعيين عواقب هر يك از اين راه حل ها بهترين راه حل را انتخاب مي كنند.

**سبك تصميم‏گيري شهودي**: رابینز (2009) معتقد است که این سبک، فرايندي ناخودآگاه تصميم‏گيري است كه در سايه تجربه هاي استنتاج شده به دست مي آيد. و مبنتی بر احساسات و يادگيري ضمني افراد است و الزاماً سواي تجزيه و تحليل معقول عمل نمي كند، بلكه اين دو مكمل يكديگراند. پس در اين شيوه تصميم‏گيرنده از يك رويه نظامند استفاده نمي كند و در هنگام اتخاذ تصميم از تجربه و آگاهي هاي ضمني خود سود مي جويد.

**سبك تصميم‏گيري وابستگي**: پارکر و همکاران او (2007) معتقدند که این سبک بيانگر عدم استقلال فكري و عملي تصميم‏گيرنده و تكيه بر حمايت ها و راهنمايي هاي ديگران در هنگام اتخاذ تصميم است (هادی مقدم زاده و طهرانی، 1387). و آگاهي هاي ديگران در هنگام اين نوع تصميم‏گيري نقش اساسي دارد (اسکات و بروس، 1995).بنابراين در اين شيوه تصميم‏گيرنده متکی به عقاید دیگران بوده و نقش منفعلي دارد.

**سبك تصميم‏گيري آني**: بيانگر شرایط اضطراری است که فرد بدون پشتوانه فكري قبلي، بلافاصله در کمترین زمان ممکن تصميم اصلي خود را اتخاذ مي كنند (اسکات و بروس، 1995). البته ممكن است اين شيوه تصميم‏گيري معلول شرايطي باشد كه براي مدير ايجاد مي شود. البته استفاده از اين سبك به معني گرفتن تصميمات خام و ناپخته نيست، زيرا در اين شيوه نيز مدير بر اساس تجربه و اطلاعاتي كه دارد تصميم‏گيري مي كند.

**سبك تصميم‏گيري اجتنابي**: به عقیده پارکر و همکاران او (2007) این سبک به معنی، به تعويق انداختن تصميم‏گيري در هنگام مواجهه با مشكلات و طفره رفتن از واكنش نسبت به مساله رخ داده شده مي باشد. در اين شيوه تصميم‏گيرنده تمايل دارد كه از هر گونه اتخاذ تصميم اجتناب كرده و تا حد امكان از موقعيت تصميم‏گيري دوري جويد (هادی مقدم زاده و طهرانی، 1387). به گونه اي كه مي توان گفت افراد از گرفتن تصميم وحشت داشته و نگران عواقب تصميم خود مي باشند. نکته قابل ذکر آن است که تصمیم‌گیری می­تواند به مثابه مغز و سلسله اعصاب سازمان در نظر گرفته شود و تحت شرايطی می­تواند موجب رشد و موفقيت سازمان گردد. در عین حال بر عکس تحت شرايط ديگری می تواند باعث شکست آن گردد. به علاوه تصميمات در سطوح مختلف سازمان به شکل­های گوناگون گرفته می­شود. برخی تصميمات راهبردی است که ضرورت دارد تا در اسرع وقت به سرعت پيرامون آنها اخذ تصميم شود. برخی دیگر بسيار کوچک و ناچيزند و بيشتر در ارتباط با فعاليت­های روزانه کاری می­باشند. برخی نيز ممکن است پس از ماه‌ها جمع­آوری اطلاعات و بررسی آن­ها، و يا در زمان کم و بدون بررسی اتخاذ شود، از اين رو، تصميمات بر حسب ميزان اهميتی که دارند متفاوتند (دفت، 2001).

**عوامل مؤثر فردی در تصمیم‏گیری**

کمدال و مونتگومری (1997)، ضمن مطالعه ای، به این نتیجه رسیدند که در فرآیند تصمیم‏گیری فردی، هم جنبه‏های درونی و هم جنبه‏های بیرونی اهمیت پیدا می‏کنند.

الف) اثر عوامل درونی در تصمیم‏گیری

1 – مخاطره جویی در تصمیم‏گیری:

الف: ادارک مخاطره جویی: ترس شدید از آینده، فقدان آشنایی و فقدان کنترل پذیری، ریسک پذیری را کم می‏کند. ادارک ریسک در فرهنگ های مختلف نیز متفاوت است. اشخاص در حالت های برانگیخته، تمایل به ریسک کردن بیشتری دارند. آن ها از استراتژی های تصمیم‏گیری ساده تری استفاده می‏کنند و قضاوت های قطبی بیشتری را شکل می دهند.

ب) نگرش مخاطره جویی: در تئوری های اقتصادی، نگرش مخاطره جویی به وسیله رجحان های آشکار اندازه گیری می شود. اگرچه ترجیحات نوعاً در حوزه برد یا سود، ضد ریسک هستند. اما افراد در حوزه باخت یا ضرر به طور پیوسته مخاطره جو هستند. اما زمانی که ترجیح خطر توسط تصمیم گیرنده تعریف می شود، علی رغم تئوری های اقتصادی، نگرش های ریسکی (امیال مخاطره جویی) ثبات بیشتری را در حوزه‏های سود و ضرر نشان می دهند. به طور کلی ادارک ریسک در محدوده برد و باخت تغییر می‏کند. اما نگرش ریسک پایدارتر و سازگارتر از آن چیزی است که توسط تئوری های اقتصادی توصیف می شود.

2 – هیجان[[36]](#footnote-36): هیجانات، اثر نیرومندی بر روی تصمیم‏گیری دارند و همچنین تصمیمات اخذ شده نیز تأثیرات متقابلی را بر روی هیجانات می گذارند.

**اثر هیجانات قبل و بعد از فرآیند تصمیم‏گیری**

هیجانات، اثر قدرتمندی در تصمیم‏گیری دارند و پیامد حاصله از تصمیمات نیز، اثر نیرومندی در ایجاد هیجانات دارند. مورد اول، «اثر هیجان پیش از تصمیم‏گیری» و مورد دوم، «اثر هیجان پس از تصمیم‏گیری» را بیان می‏کند.

الف) اثرات قبل از تصمیم‏گیری[[37]](#footnote-37): آیزن[[38]](#footnote-38) (1993)، معتقد بود که هیجانات مثبت، حل مسئله خلاق را افزایش می دهند و ارغام اطلاعات را در هم، تسهیل می‏کنند. استرادا[[39]](#footnote-39) و همکاران (1994)، متوجه شدند پزشکانی که خلق مثبتی داشتند، نسبت به گرده کنترل، در تشخیص اولیه خود، اطلاعات بیشتری را با هم تلفیق کردند، همچنین در تفکراتشان، خلاقانه تر عمل نمودند. (میلرز[[40]](#footnote-40)، شواتز[[41]](#footnote-41) و کوکی[[42]](#footnote-42)، 1998)

ب) اثرات بعد از تصمیم‏گیری[[43]](#footnote-43): بعد از تصمیم‏گیری، اغلب ما دچار پشیمانی می شویم. (گیلوویچ 1994 و 1995، نقل از میلرز و همکاران، 1998). مدویک[[44]](#footnote-44) و گیلوویچ نشان دادند که افراد در کوتاه مدت از انجام یک عمل نسبت به عدم انجام آن، بیشتر متأسف می شوند ولی در دراز مدت، پشیمانی آن ها از عدم انجام یک عمل بیشتر است تا کنش نسبت به آن، آن ها نشان دادند که با گذشت زمان از شدت سوز ندامت کاسته می شود ولی غم و اندوه ناشی از عدم انجام آن عمل همچنان بالاست. در مقابل این نظریه کاهان من[[45]](#footnote-45) (1995) بر این باور بود که افراد در قبال انجام اعمالشان در تمام طول عمر خود، ندامت بیشتری را احساس می‏کنند. او معتقد بود که گیلوویچ و مدویک دو هیجان مشخص را اندازه گرفته اند که یکی احساس «شور و هیجان» می باشد که از انجام یک کار نصیب فرد می شود و دیگری احساس «افسوس و حسرت» است که مبین غم و اندوه و از دست دادن فرصت هاست.

میلرز و همکارانش (1998) الگوریتمی را برای اندازه گیری هم انتخاب نهایی که افراد می توانند داشته باشند و هم پاسخ های عاطفی نسبت به پولی که ضمن شرط بندی نصیب آن ها شده است را ارائه دادند. بعد از یک انتخاب، آزمودنی ها یاد می گیرند نتیجه آن انتخابشان در بازی چه خواهد بود. (گیلوویچ و هاوستد مدویک[[46]](#footnote-46)، 1995، نقل از کمدال و مونتگومری، 1997) بین تصمیم گیرندگان «نادم» و «راضی» قبل و بعد از فرآیند تصمیم‏گیری، تفاوت هایی به شرح زیر وجود دارد:

1 – در فرآیندهای قبل از تصمیم‏گیری، تصمیم گیرندگان «نادم»، کمتر در تعامل با محیط خود هستند و این شاید به این علت باشد که آن ها احساس می‏کنند که برای رسیدن به یک تصمیم خوب، هیچ کاری نمی توانند انجام دهند.

2 – تصمیم گیرندگان «پشیمان» در مقایسه با تصمیم گیرندگان «راضی» تثبیت کمتری را در تصمیماتشان نشان می دهند.

3 – تصمیم گیرندگان متأسف، در مقایسه با تصمیم گیرندگان «راضی»، بعد از تصمیم‏گیری، دچار هیجانات دیگری مثل «شرم» و «گناه» نیز می شوند. (کمدال و مونتگومری، 1997) نظریه پرسپکتیو[[47]](#footnote-47)، ممکن است تفاوت های بین تصمیم گیرندگان راضی و متأسف را قبل از فرآیند تصمیم‏گیری، توجیه کند:

قبل از فرآیند تصمیم‏گیری، صفحه 83 بررسی رابطه باورهای فراشناختی و تعلل ورزی رفتاری با مشکلات تصمیم‏گیری در دانش آموزان پسر دبیرستان شهر تهران، سعید کریم نژاد نیارق.

**پیشینه پژوهش**

**تحقیقات انجام شده در داخل کشور**

ﭘﮋوﻫﺸﮕﺮان ﺗﺄﺛﻴﺮ ﻣﺜﺒﺖ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه را در ﻛﺎﻫﺶ رﻓﺘﺎرﻫﺎي ﭘﺮﺧﻄـﺮ و اﻓـﺰاﻳﺶ ﺳﺎزﮔﺎري، ﺧﻮداﺗﻜﺎﻳﻲ و اﻋﺘﻤﺎد ﺑﻪ ﻧﻔﺲ ﻣﻮرد ﺗﺎﻳﻴﺪ ﻗﺮارداده اﻧﺪ. ﻣﻄﺎﻟﻌـﺎت ﺑـﺴﻴﺎري در ﻣـﻮرد ﺗـﺄﺛﻴﺮ ﺑﺮﻧﺎﻣﻪي آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه ﺑﺮ اﺑﻌﺎد ﻣﺨﺘﻠﻒ ﺳﻼﻣﺖ روان اﻧﺠﺎم ﮔﺮﻓﺘﻪ و ﻧﺘـﺎﻳﺞ ﻧـﺸﺎن داده اﺳﺖ ﻛﻪ آﻣﻮزش اﻳﻦ ﻣﻬﺎرتﻫﺎ ﺳﺒﺐ ﺑﻬﺒﻮد ﻣﻬﺎرتﻫﺎي اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ و ارﺗﺒﺎﻃـﺎت ﺑـﻴﻦ ﻓـﺮدي، اﻓـﺰاﻳﺶ رﻓﺘﺎرﻫﺎي ﻣﺜﺒﺖ اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ و ﺳﺎزﮔﺎري اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ، اﻓﺰاﻳﺶ رﺿﺎﻳﺖ از ﺳﻴﺴﺘﻢ ﺧﺎﻧﻮادﮔﻲ و ﺳـﺎزﮔﺎري ﺑﺎ ﺧﺎﻧﻮاده و اﻓﺰاﻳﺶ ﻣﻬﺎرتﻫـﺎي ﻣﻘﺎﺑﻠـﻪاي ﺷـﺪه اﺳـﺖ (کیامرثی، 1392).

ﻣﻬﺪوي ﺣﺎﺟﻲ(1389) ﻧﺸﺎن داد ﻛﻪ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه ﺑﻬﺒﻮد ﻣﻌﻨﺎداري در ﺷﺎدﻛﺎﻣﻲ و راﻫﺒﺮدﻫﺎي ﺗﻨﻈﻴﻢ ﻫﻴﺠﺎن ﺷﺮﻛﺖ ﻛﻨﻨﺪﮔﺎن ﮔﺮوه آزﻣﺎﻳﺶ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﮔﺮوه ﻛﻨﺘﺮل ﺷﺪ. ﻫﻤﭽﻨﻴﻦ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه ﺑﻪ اﻓﺰاﻳﺶ ﻧﻤﺮات ﻛﻴﻔﻴﺖ زﻧﺪﮔﻲ ﺷﺮﻛﺖ ﻛﻨﻨﺪﮔﺎن ﮔﺮوه آزﻣﺎﻳﺶ، در ﺣﻴﻄﻪﻫﺎي ﺳﻼﻣﺖ رواﻧﻲ، رواﺑﻂ اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ و ﻣﺤﻴﻂ ﻓﻴﺰﻳﻜﻲ ﺷﺪ، اﻣﺎ ﺑﺮ ﺣﻴﻄﻪي ﺳﻼﻣﺖ ﺟﺴﻤﺎﻧﻲ ﺗﺄﺛﻴﺮ ﻣﻌﻨﺎداري ﻧﺪاﺷﺖ.

رضازاده (1389) درپژوهش خود بر روی مدیران دانشگاه فردوسی مشهد دریافت که سبك غالب تصميم‏گيري آنها عقلاني است و بين سبك تصميم‏گيري زنان و مردان در سبك اجتنابي رابطه معني داري وجود دارد. اما بين سبكهاي تصميم‏گيري در گروههاي مختلف سني، در سطوح تحصيلي و همچنين سنوات خدمت مختلف، رابطه معناداري يافت نشد.

روحانی و ابوطالبی (1389) در تحقیقی با عنوان ﺗﺎﺛﻴﺮ آﻣﻮزش ﺟﺮأت ورزي ﺑﻪ روش ﮔﺮوﻫﻲ در ارﺗﻘﺎء ﺗﻮان ﻣﻘﺎﺑﻠﻪ ﺑﺎ اﺳﺘﺮس ﻛﺎرﮔﺮي به این نتیجه رسیدند که آﻣﻮزش ﺟﺮأت‏ورزي ﺑﻪ روش ﮔﺮوﻫﻲ ﻗﺎدر اﺳﺖ ﺗﻮان ﻣﻘﺎﺑﻠﻪ ﺑﺎ اﺳﺘﺮس ﻛﺎرﮔﺮي را در ﺑﻴﻦ آزﻣﻮدﻧﻲ ﻫﺎي ﮔﺮوه آزﻣﺎﻳﺸﻲ اﻓﺰاﻳﺶ ﺑﺨﺸﺪ.

یافته های پژوهشی بحری (1388) با هدف بررسی ﺗﺄﺛﻴﺮ آﻣﻮزش ﺟﺮأت‏ورزي ﺑﻪ روش ﻣﺸﺎورة ﮔﺮوﻫﻲ ﺑﺮ ﻋﺰت ﻧﻔﺲ داﻧﺶآﻣﻮزان دﺧﺘﺮ مقطع دبیرستانﻣﻨﻄﻘ‏ه‏ی 11 ﺷﻬﺮ ﺗﻬﺮان نشان داد که ﻛﻪ ﺑﻴﻦ ﻣﺮاﺣﻞ ﻣﺨﺘﻠﻒ آزﻣﻮن، ﻳﻌﻨﻲ ﻗﺒﻞ از آﻣﻮزش، ﺑﺎ ﻣﺮاﺣﻞ ﺑﻌﺪ از آﻣﻮزش و ﻳﻚﻣﺎه ﺑﻌﺪ در ﻣﺮﺣﻠﺔﭘﻴﮕﻴﺮي ﺗﻔﺎوت ﻣﻌﻨﺎداري وﺟﻮد دارد و، ﻫﻤﭽﻨﻴﻦ، ﺑﻴﻦ ﮔﺮوهﻫﺎي آزﻣﺎﻳﺸﻲ و ﻛﻨﺘﺮل ﻧﻴﺰ ﺗﻔﺎوت وﺟﻮد دارد ﻛﻪ ﻫﻤﺔ اﻳﻦ ﺗﻔﺎوتﻫﺎ ﻧﺎﺷﻲ از ﻣﺘﻐﻴﺮ ﻣﺴﺘﻘﻞ، ﻳﻌﻨﻲ آﻣﻮزﺷﻲ، اﺳﺖ ﻛﻪ ﭘﮋوﻫﺸﮕﺮ اﻋﻤﺎل ﻛﺮده اﺳﺖ.

ﻫﻮاﻳﻲ (1388) در ﭘﮋوﻫﺶ ﺧﻮد ﺑﻪ اﻳﻦ ﻧﺘﻴﺠﻪ دﺳﺖ ﻳﺎﻓﺖ ﻛﻪ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه ﺑﺎﻋﺚ ﻛﺎﻫﺶ ﻣﻌﻨﻲ دار اﺳﺘﺮس ﺗﺤﺼﻴﻠﻲ ﻛﻠﻲ و اﺳﺘﺮس ﺗﺤﺼﻴﻠﻲ ﻧﺎﺷﻲ از اﻧﺘﻈﺎرات از ﺧﻮد و واﻟﺪﻳﻦ/ ﻣﻌﻠﻤﺎن و ﻫﻤﭽﻨﻴﻦ اﻓﺰاﻳﺶ ﺧﻮدﻛﺎرآﻣﺪي در داﻧﺶآﻣﻮزان ﺳﺎل ﺳﻮم دﺑﻴﺮﺳﺘﺎن ﻣﻲﺷﻮد. ﺻﺎدﻗﻲ، ﻧﺮﻳﻤﺎﻧﻲ و رﺟﺒﻲ (1387) ﺑﺎ آﻣﻮزش ﻣﻬﺎرتﻫﺎي ﻣﻘﺎﺑﻠﻪاي ﺑﻪ ﮔﺮوﻫﻲ از داﻧﺸﺠﻮﻳﺎن ﻛﻪ در ﭘﺮﺳﺶﻧﺎﻣﻪ GHQ-28 ﻧﻤﺮه 23 ﻳﺎ ﺑﺎﻻﺗﺮ از آن ﮔﺮﻓﺘﻪ ﺑﻮدﻧﺪ، ﺑﻪ اﻳﻦ ﻧﺘﻴﺠﻪ دﺳﺖ ﻳﺎﻓﺘﻨﺪ ﻛﻪ آﻣﻮزش ﻣﻬﺎرتﻫﺎي ﻣﻘﺎﺑﻠﻪاي در ﻛﺎﻫﺶ ﻋﻼﻳﻢ اﺧﺘﻼل رواﻧﻲ، ﺑﻪوﻳﮋه ﺟﺴﻤﺎﻧﻲ ﺳﺎزي ﻋﻼﻳﻢ و اﺿﻄﺮاب داﻧﺸﺠﻮﻳﺎن ﻣﺸﻜﻮك ﺑﻪ اﺧﺘﻼل رواﻧﻲ، ﻣﺆﺛﺮ اﺳﺖ، اﻣﺎ ﺗﺄﺛﻴﺮ آﻣﻮزش ﻣﻬﺎرتﻫﺎي ﻣﻘﺎﺑﻠﻪ اي در ﻛﺎﻫﺶ ﻣﻴﺰان اﻓﺴﺮدﮔﻲ و اﺧﺘﻼل در ﻋﻤﻠﻜﺮد اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ داﻧﺸﺠﻮﻳﺎن ﻣﻌﻨﻲ دار ﻧﺒﻮد.

اسدی، رضایی و ترابی (1388)، در تحقیقی تحت عنوان بررسی و مقایسه‏ی جرات‏ورزی اضطراب، افسردگی و فشار روانی در افراد بینا و نابینا به این نتیجه دست یافتند که بین دو گروه افراد بینا و نابینا تفاوت معنی‏داری در میانگین نمرات مربوط به جرات‏ورزی و فشار روانی وجود دارد و افراد نابینا دارای جرات‏ورزی کمتر و فشار روانی بالاتری هستند. همچنین نتایج نشان داد که در افراد نابینا رایطه منفی و معنی داری بین جرات‏ورزی و افسردگی وجود دارد. در افراد بینا بین جرات‏ورزی و افسردگی وجود دارد. در افراد بینا بین جرات‏ورزی و هر سه مولفه‏ی اضطراب، افسردگی و فشار روانی رابطه منفی و معنا‏داری به دست آمد.

نتایج پژوهش بساک‏نژاد ( 1388) با عنوان رابطه حرمت خود، کمال‏گرایی و خود شیفتگی با خود‏ناتوان‏سازی در گروهی از دانشجویان، حاکی از آن بود که بین متغیر حرمت خود و خود‏ناتوان‏سازی همبستگی منفی و بین کمال‏گرایی و خود شیفتگی با خود‏ناتوان‏سازی همبستگی مثبت معنی دار وجود دارد. در دانشجویان پسر کمال‏گرایی و حرمت خود و در دانشجویان دختر، کمال‏گرایی بهترین پیش بینی کننده خود‏ناتوان‏سازی محسوب می شوند.

هادی مقدم‏زاده و طهرانی‏ (1387) در پژوهشی دریافتند که بین سبك هاي تصميم‏گيري عقلايي و شهودي رابطه معني دار منفي، بين سبك تصميم‏گيري عقلايي و اجتنابي و بين سبك تصميم‏گيري شهودي و آنی رابطه معني دار مثبت وجود دارد.همچنين بين سبك تصميم‏گيري اجتنابي و هر يك از سبك هاي تصميم‏گيري وابستگي و آني در اين بررسي رابطه معني دار منفي به دست آمد. در اين بررسي رابطه معنا داري بين هر يك از سبكهاي تصميم‏گيري و دو ويژگي جمعيت شناختي سابقه خدمت و تحصيلات مديران به‏دست نيامد.

محمودی‏عالمی، عظیمی و ضرغامی(1383) در تحقیقی که به منظور تاثیر آموزش قاطعیت بر میزان اضطراب و جرات‏ورزی 60 تن از دانشجویان پرستاری که شدت اضطراب آن ها در حد متوسط تا شدید و از لحاظ جرات‏ورزی ضعیف بودند، انجام دادند نتایج نشان داد که کاهش اضطراب آشکار و پنهان و نیز جرات‏ورزی دانشجویان پرستاری در گروه آزمایش بعد از آموزش قاطعیت معنادار بوده است.

**تحقیقات انجام شده در خارج کشور**

اسمیت[[48]](#footnote-48) (2011) در پژوهش خود دریافت که بین زنان و مردان در استفاده از سبک شهودی تفاوت معناداری وجود ندارد و نیز بین سبک عقلانی و شهودی رابطه معناداری مشاهده نمی شود.

ساپيجا، دان و هلت[[49]](#footnote-49) (2011) در مطالعه­ي خود بر روي 194 فوتباليست مرد به اين سؤال پرداخته­اند كه آيا نوع سبك فرزندپروري کنش­وری متفاوت را در گرايشات كمال­گرايانه نوجوانان ورزشكار دارد. در اين مطالعه خوشه‏هاي مستقلي از كمال­گرايان سالم، كمال­گرايان فاقد سلامتي و غيركمال­گرايان بررسي شدند. نتايج نشان داد كه هم كمال­گرايان سالم و هم غيركمال­گرايان به صورت معناداري نسبت به كمال­گرايان ناسالم ادراك سبك فرزندپروري مقتدرانه­ی مادري و پدري را نشان دادند. همچنين نتايج نشان داد كه بسط دادن سبك فرزندپروري مقتدرانه ممكن است نقشي در توسعه­ي گرايش­هاي سلامتي كمال­گرايان بازي كند.

سچوماکر[[50]](#footnote-50) (2010) نیز در مطالعه خود دریافت که بین سبک اجتنابی و عقلانی رابطه معنادری وجود دارد در حالی که در دیگر سبک های تصمیم‏گیری این رابطه مشاهده نگردید.

پژوهش کاگان، کاکیر، ایلهان و کاندمیر[[51]](#footnote-51) (2010) که بر روی 265 دانشجو از دانشگاه­ها، دانشکده­ها و کلاس­های مختلف انجام شد، نشان داد که کمال­گرایی، تکانشگری[[52]](#footnote-52) و پنج عامل شخصیت متغیرهای مهمی در توضیح رفتار اهمال­کاری تحصیلی هستند.

تامپسون[[53]](#footnote-53) (2010) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که بین سبک های تصمیم‏گیری مدیران بر اساس جنسیت سن آنها تفاوت معناداری وجود ندارد.

ونزل، ویکولد و سیلبرسن[[54]](#footnote-54) (2009) ﺑﻪ ﺑﺮرﺳﻲ ﺗﺄﺛﻴﺮ ﺑﺴﺘﻪي آﻣﻮزﺷﻲ رفتار جرات‏مندانه در ﻣﺪارس ﭘﺮداﺧﺘﻨﺪ. ﻳﺎﻓﺘﻪﻫﺎ ﻧﺸﺎن داد ﻛﻪ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه اﺛﺮات ﻣﺜﺒﺘﻲ ﺑﺮ اﻓﺰاﻳﺶ ﭘﻴﻮﻧﺪﻫﺎي ﻣﺪرﺳﻪاي و ﻛﺎﻫﺶ ﻣﺼﺮف اﻟﻜﻞ دارد. اﻳﻦ ﺑﺴﺘﻪي آﻣﻮزﺷﻲ از ﺟﺎﻧﺐ ﻣﺮﺑﻴﺎن و داﻧﺶآﻣﻮزان اﺑﺰار ﺧﻮب و ﻗﺎﺑﻞ ﭘﺬﻳﺮﺷﻲ ارزﻳﺎﺑﻲ ﺷﺪ.

در پروژه­اي كه توسط هاتكينسن، ياتيس[[55]](#footnote-55) (2008) صورت گرفت با استفاده از پرسشنامه، 72 دانش آموز مقطع متوسطه از لحاظ سه جنبه­ي سختگيري به خود[[56]](#footnote-56)، كمال­گرايي جامعه­مدار، و نگراني در مورد اشتباهات[[57]](#footnote-57) مورد مشاهده قرار گرفتند. مادر آن­ها نيز با استفاده از پرسشنامه از سه بعد انتظارات مستقيم[[58]](#footnote-58) (براي مثال، "من استانداردهاي بالايي را براي فرزندانم تنظيم مي­كنم")، كنترل كردن انتظارات ( براي مثال، " در خانواده­ي ما فقط و فقط عملكردهاي برجسته[[59]](#footnote-59) به اندازه­ي كافي خوب است)، و تشويق غير مشروط (براي مثال، "سخت تلاش كردن مهم­تر از بهترين بودن است") بررسي شدند. نتايج نشان داد كه انتظارات مستقيم به طور مثبت با "سخت­گيري به خود" دانش­آموزان،‌ اما به طور منفي با كمال­گرايي جامعه­مدار همراه بود. كنترل كردن انتظارات با كمال­گرايي جامعه­مدار همراه بود. بنابراين، جنبه­هاي سازگار و ناسازگار كمال­گرايي دانش­آموزان به طور متفاوت با الگوهاي اظهاري هدف والديني[[60]](#footnote-60) همراه است.

لو، واﻧﮓ، ﺗﻮ و ﮔﻮ[[61]](#footnote-61) (2008) در ﻣﻄﺎﻟﻌﻪي ﺧﻮد ﺑﺮ روي داﻧﺶآﻣﻮزان ﭘﺴﺮ و دﺧﺘﺮ درﻳﺎﻓﺘﻨﺪ ﻛﻪ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه ﺑﺎﻋﺚ اﻓﺰاﻳﺶ ﺧﻮدﻛﺎرآﻣﺪي، ﻛﺎﻫﺶ رﻓﺘﺎرﻫﺎي ﭘﺮﺧﻄﺮ، اﻓﺰاﻳﺶ ادراك رﻳﺴﻚﭘﺬﻳﺮي ﺑﺎرداري، ادراك ﺑﻬﺘﺮ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﺑﻴﻤﺎريﻫﺎي ﻣﺴﺮي ﺟﻨﺴﻲ و اﻳﺪز در ﮔﺮوهﻫﺎي آزﻣﺎﻳﺸﻲ ﭘﮋوﻫﺶ ﻣﻲ ﺷﻮد. ﻛﻤﺒﻞ[[62]](#footnote-62) (2006) در ﭘﮋوﻫﺸﻲ ﺑﻪ اﻳﻦ ﻧﺘﻴﺠﻪ دﺳﺖ ﻳﺎﻓﺖ ﻛﻪ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه در اﻧﺘﻘﺎل ﻣﻮﻓﻘﻴﺖآﻣﻴﺰ داﻧﺸﺠﻮﻳﺎن از داﻧﺸﮕﺎه ﺑﻪ ﻣﺤﻴﻂ ﻛﺎر، ﺗﺄﺛﻴﺮ ﻣﺜﺒﺖ و ﻣﻌﻨﺎدار اﻳﺠﺎد ﻣﻲ ﻛﻨﺪ.

نتايج تحقيق سئو[[63]](#footnote-63) (2008) نشان مي­دهد كه دانشجويان با كمال­گرايي خودمدار بالا نسبت به ديگران اهمال­كاري كمتري انجام مي­دهند. و همچنين اينكه خودكارآمدي نقش واسطه­اي بين كمال­گرايي خودمدار و اهمال­كاري تحصيلي دارد.

ﺑﻮﺗﻮﻳﻦ و ﻛﺎﻧﺘﻮر (2007، ﻧﻘﻞ از ﻣﻬﺪوي ﺣﺎﺟﻲ، 1389) در ﭘﮋوﻫﺶ ﺧﻮد درﻳﺎﻓﺘﻨﺪ ﻛﻪ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه، ﻧﺸﺎﻧﻪﻫﺎي اﻓﺴﺮدﮔﻲ در داﻧﺶآﻣﻮزان را ﻛﺎﻫﺶ ﻣﻲدﻫﺪ. ﻫﻤﭽﻨﻴﻦ اﺟﺮاي ﺑﺮﻧﺎﻣﻪي آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه ﻣﻨﺠﺮ ﺑﻪ ﺗﻐﻴﻴﺮ در رﻓﺘﺎر آزﻣﻮدﻧﻲﻫﺎ و اﻓﺰاﻳﺶ رﻓﺘﺎرﻫﺎي اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ ﻣﻨﺎﺳﺐ ﻣﻲﺷﻮد و ﻫﻤﻴﻦ اﻣﺮ ﺑﻪ ﺳﺎزﮔﺎري و ﺑﺮوز رﻓﺘﺎرﻫﺎي ﺟﺎﻣﻌﻪ ﭘﺴﻨﺪ ﻣﻨﺠﺮ ﻣﻲ ﺷﻮد.

پارکر و همکاران (2007) نیز به این نتیجه دست یافت که بين سبک عقلايی و هر يک از سبک­های تصميم‏گيری شهودی، آنی و اجتنابی رابطه معنی­دار منفی، بين سبک تصميم‌گيری شهودی و آنی و بين سبک تصميم­گيری وابستگی و اجتنابی رابطه معنی‌دار مثبت به دست آوردند.

كروسلي و هاگهوس (2005) نیز به اين نتيجه رسيدند كه بين سبك تصميم‏گيري عقلايي و شهودي با رضايت شغلي رابطه معناداري وجود دارد. در حاليكه اين رابطه با سبك هاي آني، احساسي و وابسته مشاهده نگرديد.

در پژوهش كني بانسن و پامرانتز[[64]](#footnote-64) (2005) استفاده­ي مادران از كنترل كردن در قبال فرزندان دبستانيشان در آزمايشگاه كه در طي آن بيانات تحريك­آميزي براي فرزندانشان استفاده مي­كردند، مشاهده شد. نمونه­ي كار آن­ها 104 دانش آموز دبستاني بود. همچنين رفتار بچه ها (براي مثال، درگيري در تكليف) كه ممكن است تحت تأثير استفاده­ي مادران از كنترل­كردن باشد مشاهده شد. كمال­گرايي خودمدار و جامعه­مدار از طريق گزارش شخصي در بچه­ها ارزيابي شد. نتايج نشان داد كه مادراني كه از كنترل شديد استفاده مي­كردند داراي بچه هايي با نگراني­هاي كمال­گرايانه و مخصوصا كمال­گرايي جامعه­مدار بودند.

ﺑﻴﻜﺮ و وﻳﻠﻴﺎﻣﺰ[[65]](#footnote-65)(2002) ﻧﺸﺎن دادﻧﺪ ﻛـﻪ داﺷـﺘﻦ ﻣﻬـﺎرتﻫـﺎي ﻣﺨﺘﻠـﻒ اﺟﺘﻤـﺎﻋﻲ و ﺣـﻞ ﻣـﺴﺄﻟﻪ ﺗــﻀﻤﻴﻦﻛﻨﻨــﺪه‏ي ﺳــﺎزﮔﺎري ﺑﻬﺘــﺮ داﻧــﺶ آﻣــﻮزان در ﻣﺤــﻴﻂﻫــﺎي آﻣﻮزﺷــﮕﺎﻫﻲ اﺳــﺖ . ﻫﻤﭽﻨــﻴﻦ داﻧﺶ آﻣﻮزاﻧﻲ ﻛﻪ ﻣﻬﺎرتﻫﺎي اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ را ﺑﻪ ﺧﻮﺑﻲ ﻓﺮاﮔﺮﻓﺘﻪاﻧﺪ ﻣﻘﺎﺑﻠﻪي ﻣﺆﺛﺮﺗﺮي در ﺑﺮاﺑﺮ اﺳـﺘﺮس ﻓﺸﺎرﻫﺎي رواﻧﻲ دارﻧﺪ (رودرﻳﮕﺰ، مایرز، میررز و کاردوزا[[66]](#footnote-66)، 2012)

تحقيق فلت و همکاران (1995) كه بر روي 100 دانشجوي دوره­ي كارشناسي (50 مرد و50 زن) صورت گرفت نشان داد كه كمال­گرايي جامعه­مدار به طور مثبتي با سبك فرزندپروري مستبدانه مرتبط است اما اين همراهي فقط در ميان مردان وجود داشت. براي زنان همبستگي قابل توجهي بين كمال­گرايي خودمدار و فرزندپروري مقتدرانه وجود داشت.

فلت، بلانک استین، هویت و کلدین[[67]](#footnote-67) (1992) طی تحقیقی بر روی 131 دانشجو (56 مرد و 75 زن) نتیجه گرفتند که کمال­گرایی جامعه­مدار بیشترین همبستگی را با کمال­گرایی عمومي[[68]](#footnote-68) و اهمال­کاری تحصیلی مخصوصا در میان مردان دارد. در این تحقیق همبستگی معنادار کمی بین کمال­گرایی خودمدار و کمال­گرایی دیگرمدار با اهمال­کاری تحصیلی وجود داشت. به هرحال مؤلفه­ی ترس از شکست اهمال­کاری به طور گسترده­ای با همه­ی ابعاد کمال­گرایی همراه بود. روی هم­رفته نتایج مطرح می­کنند که ریشه­های اهمال­کاری، تا حدودی، از پیش­بینی عدم تأیید اجتماعی از افراد همراه با استانداردهای کمال­گرایانه برای دیگران نشأت می­گیرد.

در پژوهشی که بلاستین و فیلیپ[[69]](#footnote-69) (1990) انجام دادند دریافتند که مدیرانی که به هویت ثابتی دست یافتند از سبک تصمیم‏گیری عقلانی، مدیرانی با هویت گرایش به مراقبت از سبک تصمیم‏گیری وابستگی و مدیران با اعتماد به نفس بالا که از نظر هویتی به کسی وابسته نیستند از سبک تصمیم‏گیری شهودی استفاده می کنند.

ﻋﻠﻲرﻏﻢ ﺟﺴﺘﺠﻮﻫﺎي ﭘﮋوﻫﺸﮕﺮ، ﭘﻴﺸﻴﻨﻪاي ﻛﻪ ﺗﺄﺛﻴﺮ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه را ﺑﻪ ﺻﻮرت ﺧﺎص بر تصمیم‏گیری و کمال‏گرایی صورت گرفته باشد یافت نشد.

## منابع فارسی

* آنتونی، مایکل ایرونسون گیل و اشنایدرمن نیل. 2007***، کتاب کار مدیریت استرس به شیوه  شناختی – رفتاری،*** ترجمه سید جواد آل محمد، سولماز جوکار، دکتر حمید طاهر نشاط دوست، 1387، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
* ا.پاین، رزماری. 2005***، فنون آرمش (تدبیر هایی برای ارتقای سلامت )،*** ترجمه دکتر مسعود شریفی و ضیاء قریشی، 1389، تهران: انتشارات فراروان.
* ادﻳﺐ، ﻧﺴﺘﺮن (1374)، ***ﺑﺮرﺳﻲ ﻧﻘﺶ ﻣﺸﺎورة ﮔﺮوﻫﻲ در ﺑﺎﻻ ﺑﺮدن ﻋﺰت -ﻧﻔﺲ ﻧﻮﺟﻮاﻧﺎن***، ﭘﺎﻳﺎنﻧﺎﻣﺔ ﻛﺎرﺷﻨﺎﺳﻲارﺷﺪ، داﻧﺸﮕﺎه ﻋﻼﻣﺔ ﻃﺒﺎﻃﺒﺎﻳﻲ
* اسپالدینگ، چریل. ال. (1381). ***انگیزش در کلاس درس*** (ترجمه محمد نائنیان واسماعیل بیابانگرد). تهران: رشد.

## اسدی، جوانشیر. رضایی، رقیه. ترابی، سید اسماعیل.(1388). *بررسی و مقایسه‏ی جرات‏ورزی اضطراب، افسردگی و فشار روانی در افراد بینا و نابینا.* ماهنامه تعلیم و تربیت استثنائی. شماره 94و 93. شهریور و مهر.

* اسلامی نسب، علی. (1373). ***روان­شناسی اعتماد به نفس***. تهران: انتشارات مهرداد.
* افروز، غلامعلی. (1375). ***روان­شناسی تربیتی***. تهران: انتشارات انجمن اولیا ومربیان کشور.
* افضل­نیا، م. ر. (1383). ***بهداشت روانی خانواده***. تهران: تزکیه
* اکبری اورزمان، حمیدرضا.(1371***). بررسی رابطه حمایت اجتماعی موسسات رفاهی(کمیته امداد) با عزت نفس فرزندان خانواده‏های تحت پوشش***. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
* اکستین، دنیل. کرن، روی. (1389). ***ارزیابی ودرمان سبک زندگی***( ترجمه حمید علیزاده همکاران). تهران: نشر رسش.
* آﻟﺒﺮﺗــﻲ، راﺑــﺮت و اﻣــﺎﻧﺰ، ﻣﺎﻳﻜــﻞ (1374)، ***روانﺷﻨﺎﺳــﻲ اﺑــﺮاز وﺟــﻮد***، اﻧﺘﺸﺎرات ﻋﻠﻤﻲ، ﺗﻬﺮان؛
* الواني ، مهدي . (1385 )***مديريت عمومي*****.**تهران : ني ، چ 31 **.**
* بارون، رابرت. بیرن، دان. برنسکامب، نایلا. (1388). ***روانشناسی اجتماعی*** ( ترجمه یوسف کریمی). (ویراست یازدهم). تهران: نشر روان.
* بال، ساموئل. (1374). ***انگیزش در آموزش وپرورش***( ترجمه سیدعلی اصغر مسدد). شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
* بتنهام، سوزان. (1384). ***روانشناسی تربیتی*** (ترجمه اسماعیل بیابانگرد و علی نعمتی). تهران: نشر نی.
* بحری، نادره.(1388**)*. ﺗﺄﺛﻴﺮ آﻣﻮزش ﺟﺮأت‏ورزي ﺑﻪ روش ﻣﺸﺎورة ﮔﺮوﻫﻲ ﺑﺮ ﻋﺰت ﻧﻔﺲ داﻧﺶآﻣﻮزان دﺧﺘﺮ منطقه 11 شهر تهران***. پیک نور. سال هشتم. شماره 1.
* براندن، ناتانیل. (1371). ***روان شناسی وحرمت نفس***.(ترجمه جمال هاشمی). تهران: شرکت سهامی انتشار تهران.
* برنو، فرانک. (1370). ***فرهنگ توصیفی روانشناسی*** (ترجمه فرزانه طاهری و مهشید یاسایی). تهران: نشر طرح نو.

## بساک نژاد، [سودابه. ( 1388).](http://www.ensani.ir/fa/10424/profile.aspx%22%20%5Ct%20%22_blank) *[رابطه حرمت خود، کمال گرایی و خود شیفتگی با خودناتوان سازی در گروهی از دانشجویان.](http://www.ensani.ir/fa/10424/profile.aspx%22%20%5Ct%20%22_blank)* [مجله](http://www.ensani.ir/fa/10424/profile.aspx%22%20%5Ct%20%22_blank) [[روانشناسی. شماره .49](http://www.ensani.ir/fa/10424/profile.aspx%22%20%5Ct%20%22_blank)](http://www.ensani.ir/fa/25178/magazine.aspx)[.بهار.](http://www.ensani.ir/fa/10424/profile.aspx%22%20%5Ct%20%22_blank)

* بشارت, محمدعلي. (1386). ساخت و اعتباريابي مقياس کمال‏گرا يي چند بعدي تهران. پژوهش های روانشناختی، 10: 67-49.
* بشارت، م. ع. (1381). ***بررسی رابطه­ی کمال­گرایی و حرمت­خود در دانش­آموزان پیش­دانشگاهی****.* **فصلنامه­ی روان­**
* **شناسان ایرانی**، 1، 28-22.
* بلاغی اینالو.(1389) [*بررسي رابطه بين* ***ويژگي هاي شخصيتي با ابعاد كمال گرايي******و شيوه‏هاي مقابله با استرس*** در دانشجويان كارشناسي و كارشناسي ارشد دانشگاه آزاد مرودشت](http://database.irandoc.ac.ir/articles/587070)
* ﺑﻬﺮاﻣﻲ، ﻓﺎﻃﻤﻪ (1375)، ***ﻣﻘﺎﻳﺴﺔروشﻫﺎي ﺟﺮأت آﻣﻮزي ﺑﻪ داﻧـﺶ آﻣـﻮزان ﻛﻢﺟﺮأت دﺧﺘﺮ دﺑﻴﺮﺳﺘﺎﻧﻲ ﺑﺎ ﺷﻴﻮه ﻫﺎي ﻣﺸﺎورة ﮔﺮوﻫﻲ و ﻣﺸﺎورة ﻓﺮدي در ﺷﻬﺮ اﺻﻔﻬﺎن***، ﭘﺎﻳﺎنﻧﺎﻣﺔ ﻛﺎرﺷﻨﺎﺳﻲارﺷﺪ، داﻧﺸﮕﺎه ﻋﻼﻣﻪ ﻃﺒﺎﻃﺒﺎﻳﻲ؛
* بهروزی، علیرضا، (1384) ***بررسي رابطه بین منبع کنترل و سلامت رواني در دانشجویان مراجعه کننده به مرکز مشاوره دانشگاه تبریز***، ،پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده علوم تربیتي.
* بیابانگرد، اسماعیل. (1370). ***بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس وپیشرفت تحصیلی پسران سال سوم دبیرستانهای تهران در سال 70-69.*** پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
* بیابانگرد، اسماعیل. (1376). ***روشهای افزایش­عزت­نفس درکودکان­ونوجوانان.*** تهران: ا­نتشارات انجمن اولیا ومربیان.
* بیابانگرد؛ اسماعیل. (1384). ***رابطه میان عزت نفس، انگیزه پیشرفت وپیشرفت تحصیلی در دانش آموزان سال سوم دبیرستان های تهران***. مجله مطالعات روان شناختی دانشکده علوم تربیتی وروان شناسی دانشگاه الزهرا، 1، 4و5، 144-131.
* بیان زاده، سید اکبر، زمانی منفرد، افشین، حیدری پهلویان، احمد،(1375) ***بررسی وضعیت سلامت روانی و منبع کنترل کارکنان یک مجتمع صنعتی***، فصلنامه اندیشه و رفتار، 20 – 29 ،4.
* بهرامی، فرهاد .(1374)، ***مقایسه روشهای آموزش رفتار خودابرازی به دانش آموزان کم جرأت دختر دبیرستانی با شیوه های مشاوره گروهی و مشاوره فردی در شهر اصفهان سال 75-74***، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
* پشتمشهدي، مرجان.، یزداندوست، رخساره.، اصغر نژاد فرید، علی اصغر.، و مریدپور، دارا (1382***). اثربخشی درمان شناختی-رفتاري بر کمال‏گرایی، تأییدطلبی و علایم افسردگی در بیماران مبتلا به اختلال درد***.مجله‏اندیشه و رفتار، 9 .22-32 :(3)
* پنتیریچ، پال. آر.، شانک، دیل. اچ. (1386). ***انگیزش در تعلیم وتربیت، نظریه‏ها، تحقیقات وراهکارها***(ترجمه مهرناز شهرآرای). تهران: انتشارات علم.
* پوپ، آلیس.، مک هیل، سوزان.، کریهد،ادوارد. (1385). ***افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان***(ترجمه پریسا تجلی). تهران: انتشارات رشد.
* پور افکاری، نصرت اله. (1378). ***فرهنگ جامع روان­شناسی***. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
* پورشافعی، هادی. (1370). ***بررسی رابطه عزت نفس با پیشرفت.*** پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
* ﺛﻨﺎﻳﻲ، ﺑﺎﻗﺮ (1379)، رواندرﻣﺎﻧﻲ و ﻣﺸﺎورة ﮔﺮوﻫـﻲ ، 50 ، ﻧﺸﺮ ﭼﻬﺮ، ﺗﻬﺮان؛
* حسینی نسب، سید داود.، اقدم، علی اصغر. (1375***). فرهنگ واژه‏ها، تعاریف واصطلاحات تعلیم وتربیت***. تبریز: انتشارات احرار.
* حیدری، الهام. مرزوقی، رحمت الله.(1391***). بررسی و مقایسه سبک های عمومی تصمیم‏گیری در مدیران دانشگاه مطالعه موردی: دانشگاه شیراز. دانشگاه آزاد مرودشت***. فصلنامه علمی پژوهشی.سال سوم.شماره دوازدهم.
* جبل عاملي، شيدا، طاهر نشاط دوست، حميد، مولوي، حسين. )۱۳۸۹ . (***اثر بخشي مداخله مديريت استرس به شيوه شناختي-  رفتاري برکيفيت زندگي و فشارخون بيماران زن مبتلا به فشارخون،*** مجله علمي دانشگاه علوم پزشكي كردستان، دوره پانزدهم، ۸۸-۹۷.
* جلالی ، سعید .(1380 ) **.*بررسی کارایی روشهای ابراز وجود در افزایش جرات ورزی دختران نابینای اصفهان*.** مجله دانش و پژوهش شماره 5 صفحه 12-1
* ﺟﻼﻟﻲ، ﻣﺤﻤﺪرﺿﺎ (1376)، ***ﺑﺮرﺳﻲ اﺛﺮ روش ﻫـﺎي درﻣـﺎﻧﻲ و آﻣﻮزﺷـﻲ ﺳﺮﻣﺸﻖﭘﺬﻳﺮي و ﺗﻤﺮﻳﻦ ﺳﺮﻣﺸﻖ ﭘﺬﻳﺮي و آرﻣﻴﺪﮔﻲ ﻋﻀﻼﻧﻲ در درﻣـ ﺎن رﻓﺘﺎرﻫﺎي ﻏﻴﺮﺟﺮأت ورزاﻧﻪ***، رﺳـﺎﻟﺔ دﻛﺘـ ﺮي، داﻧـﺸﮕﺎه ﺗﺮﺑﻴـﺖ ﻣـﺪرس ، ﺗﻬﺮان؛
* خديوی زند، محمد مهدی(1374). ***پرخاشگری و ناکامی***، تهران : انتشارات تربیت.خلعتبری،
* خلیلی شرفه، فاطمه. (1386*).* ***مقایسه تاثیر شبیه سازی های ذهنی ساده وتوام فرایندی وفرآورده ای بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پراستعداد و طبیعی***. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
* درويش، زهرا(1386). ***بررسی میزان رضايت مندی زناشويی و تأثیر آن بر پرخاشگری دانش آموزان مدارس راهنمايی دولتی دخترانه، پسرانه*** ناحیه 2 رشت.
* دلالی، نیره؛ (1388). ***انتقاد: انتقاد و نحوه ی مواجهه با آن****.* تهران: انتشارات نشر قطره، چاپ اول.
* دلاور، علی. (1389). ***مبانی نظری وعملی پژوهش در علوم انسانی واجتماعی.*** تهران: رشد.
* دﻻور، ﻋﻠﻲ (1380)، ***ﻣﺒﺎﻧﻲ ﻧﻈﺮي وﻋﻤﻠـﻲ ﭘـﮋوﻫﺶ در ﻋﻠـﻮم اﻧـﺴﺎﻧﻲ و اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ***، اﻧﺘﺸﺎرات رﺷﺪ، ﺗﻬﺮان
* رابينز، استيفن.(1385). ***رفتار سازماني، مفاهيم، نظريه‏ها و كاربرد ها***. ترجمه علي پارسائيان، محمد اعرابي، تهران، دفتر پژوهشهاي فرهنگي، چاپ هشتم.

### رادفر، شهرام و حسینی، علی. (1387). *بررسی سلامت روانی فرزندان 15-18 ساله جانبازان*. مجله طب نظامی، 25-40 ،3.

* رضازاده، سمانه.(1389). ***[بررسي رابطه‏ی سبك‏های عمومی تصميم‏گيری و هوش معنوی مديران دانشگاه‏های فردوسی و علوم پزشكي مشهد](http://libepl.um.ac.ir/index.php?module=Dis&func=display&disid=791)***[.](http://libepl.um.ac.ir/index.php?module=Dis&func=display&disid=791) پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
* رضایی، اکبر، سیف، علی اکبر. (1384). ***نقش باورهای انگیزشی، راهبردهای یادگیری وجنسیت در عملکرد تحصیلی***. مجله تعلیم وتربیت، 4، 85-43.
* روحانی،[عباس. ابوطالبی،](http://www.ensani.ir/fa/18034/profile.aspx) [حمیرا](http://www.ensani.ir/fa/122608/profile.aspx) (1389). ***تاثیر آموزش جرأت ورزی به روش گروهی در ارتقاء توان مقابله با استرس کارگری***. [تازه های روانشناسی صنعتی سازمانی سال اول پاییز. شماره 4](http://www.ensani.ir/fa/24789/magazine.aspx%22%20%5Ct%20%22_blank).
* ساعتچی، محمود. (1374***). روانشناسی کاربردی برای مدیران.*** تهران: نشر ویرایش.
* سانتراک، جان. دبلیو. (1387). ***روانشناسی تربیتی*** (مترجمان شاهده سعیدی و مهشید عراقچی و حسین دانش فر). تهران: نشر رسا.
* سرمد، زهره. بازرگان، عباس. حجازی، الهه. (1383). ***روش­هاي تحقيق در علوم رفتاري***. (چاپ دهم). تهران: نشر آگاه.
* سرو، مهسا. (1387). ***مقایسه­ی نقش میانجی اضطراب امتحان در رابطه­ی بین کمال­گرایی و موفقیت تحصیلی در دانش­آموزان تیز هوش و عادی*.** پایان­نامه­ی کارشناسی ارشد روان­شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
* سمائی، س. (1389). ***اعتباریابی، رواسازی و نرم­یابی سیاهه­ی کمال­گرایی هیل***. پایان­نامه­ی کارشناسی ارشد روان‏شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی.
* سیاسی، علی اکبر. (1388). ***نظریه‏های شخصیت***. دانشگاه تهران.
* سیاوشی،حاتم. (1385). ***بررسی تاثیر ساده وتوام شبیه سازیهای ذهنی فرآیندی وفرآورده ای بر بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان***. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

### سیرجانی، لیلا. (1386). *بررسی تاثیر هوش، خودکار آمدی و کمال گرایی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان*. پایان نامه کارشناسی ارشد. [دانشگاه شهید بهشتی](https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&ved=0CBsQFjAA&url=http%3A%2F%2Fsbu.ac.ir%2FCols%2FFEP%2FDocuments%2F%25D8%25A7%25D8%25B7%25D9%2584%25D8%25A7%25D8%25B9%25DB%258C%25D9%2587%2520%25D9%2587%25D8%25A7%2F%25D9%25BE%25D8%25A7%25DB%258C%25D8%25A7%25D9%2586%2520%25D9%2586%25D8%25A7%25D9%2585%25D9%2587%2520%25D9%2587%25D8%25A7.xlsx&ei=R8-iU97YJoOH0AWo1YDgAQ&usg=AFQjCNHMsk1fGgMFH_lj047zIlpS4e-8DQ&sig2=u-OOpx06bPlvjVe3Biv7-Q).

* سيف، علي اکبر (1380*).* ***اندازه­گيري، سنجش و ارزشيابي آموزشي***.( ويرايش سوم)، تهران، نشر دوران.
* ﺳﻴﻒ، ﻋﻠﻲ اﻛﺒﺮ (1380)، ***ﺗﻐﻴﻴﺮ رﻓﺘﺎر و رﻓﺘﺎر درﻣﺎﻧﻲ*** : ﻧﻈﺮﻳﻪﻫﺎ و روش ﻫﺎ، ﻧﺸﺮ داﻧﺎ، ﺗﻬﺮان؛
* سیف، علی اکبر. (1388). ***روانشناسی پرورشی نوین***. (ویرایش ششم). تهران: نشر دوران.
* شريفي، حسن پاشا (1381). ***اصول روان­سنجي و روان­آزمايي***. (چاپ هشتم). تهران: انتشارات رشد.
* شعاری نژاد، علی اکبر. (1364). ***فرهنگ علوم رفتاری***. تهران: انتشارات امیر کبیر.
* شعاری نژاد، علی اکبر. (1378). ***یادداشت هایی در باره نظریه‏های انگیزش در آموزش وپرورش***. تهران: رشد.
* شفیع آبادی، عبدالله.، ناصری، غلامرضا. (1377***). نظریه‏های مشاوره وروان درمانی***. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
* ﺷﻔﻴﻊآﺑﺎدي، ﻋﺒـﺪاﷲ (1380)، ***ﻣﻘـﺪﻣﺎت راﻫﻨﻤـﺎﻳﻲ و ﻣـﺸﺎوره : ﻣﻔـﺎﻫﻴﻢ و ﻛﺎرﺑﺮدﻫﺎ***، اﻧﺘﺸﺎرات داﻧﺸﮕﺎه ﭘﻴﺎمﻧﻮر، ﺗﻬﺮان؛
* شکرکن، حسین ودیگران. (1387). ***مکتب های روانشناسی ونقد آن جلد1*.** پژوهشگاه حوزه ودانشگاه. تهران: سمت.
* شکرکن، حسین.، هاشمی شیخ شبانی، سیداسماعیل.، نجاریان، بهمن. (1384***). بررسی رابطه برخی پیشایندهای مهم ومربوط به خود ناتوان سازی تحصیلی ورابطه آن با پیامدهای برگزیده در دانش آموزان پسر سال اول دبیرستان های اهواز***. مجله علوم تربیتی وروانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، 3، 12، 3، 100-77.
* شکیبایی، فرشته، تهرانی دوست، مهدی، شهریور، زهرا، آثاری، شروین. (1383). ***گروه درمانی مدیریت خشم با رویکرد شناختی - رفتاری در نوجوانان مؤسسه ای***، [مجله تازه‏های علوم شناختی](http://www.noormags.com/View/Magazine/MagazineByChar.aspx?Intro=215)، [بهار و تابستان، شماره 21 و 22](http://www.noormags.com/View/Magazine/ViewArticles.aspx?NumberId=0).
* شولتز، دوان.، شولتز، سیدنی. آلن. (1391). ***نظریه‏های شخصیت***. (ترجمه یحیی سید محمدی). ( ویرایش دوم). تهران: نشر ویرایش.
* ﺷﻴﻠﻴﻨﮓ، ﻟﻮﺋ ﻴﺲ (1374)، ***ﻧﻈﺮﻳـﻪ ﻫـﺎي ﻣـﺸﺎوره*** ، ﺗﺮﺟﻤـﺔ ﺧﺪﻳﺠـﻪ آرﻳـﻦ، اﻧﺘﺸﺎرات اﻃﻼﻋﺎت
* صادقی موحد, فریبا  نریمانی, محمد  رجبی, سوران (1387) ***بررسی تأثیر آموزش مهارت های مقابله ای بر***
* ***وضعیت سلامت روانی دانشجویان****.* مجله علمي پژوهشي دانشگاه علوم پزشكي اردبيل ــ 8 (
* صالحی، زهرا. (1389*)****. بررسی اثر بخشی ارزشیابی توصیفی بر پیشرفت تحصیلی وعزت نفس دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی منطقه9شهر تهران***. پایان نامه کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، دانشگاه علامه طباطبائی.
* عابدی ، علی. (1378) .***تأثیر آموزش ابراز وجود بر رفتار خود ابرازی دانش آموزان مقطع دبیرستان شهرستان نایین*.** اصفهان : انتشارات دانشگاه آزاد
* عابدی، مریم.(1378)، آموزش ***تکنیک های رفتار درمانی در مشاوره(جلد اول)***، واحد آموزش و پژوهش کلینیک مشاوره و درمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
* ﻋﺒﺎسﻧﻴﺎ، ﻣﺤﻤﺪ (1378)، ***ﺗﺄﺛﻴﺮ آﻣﻮزش ﺟﺮأت ورزي و ﻋﺰت ﻧﻔﺲ ﭘـﺴﺮان ﻛﻢﺟﺮأت (ﺑﻪ ﺷﻴﻮة ﺷﻨﺎﺧﺘﻲ)***، ﭘﺎﻳﺎن ﻧﺎﻣﺔ ﻛﺎرﺷﻨﺎﺳﻲ ارﺷﺪ، داﻧﺸﮕﺎه ﻋﻼﻣ ﺔ ﻃﺒﺎﻃﺒﺎﻳﻲ؛
* فتي، لادن (1385). ***مهارت مديريت استرس***. تهران: نشر دانژه
* فرخی، احمد.، محمدزاده، حسن. (1383). ***تاثیر شکست درماندگی بر یادگیری وعملکرد مهارت حرکتی در دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه اورمیه***. المپیک، 4، 41-32.
* فروع الدین ، عادل. (1382 ). *[اثربخشی برنامه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی به منظور پيشگيری از مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمايی](http://www.zums.ac.ir/journal/browse.php?a_code=A-10-4-471&slc_lang=fa&sid=1&sw=%D9%86%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86)* ***نائین .***اصفهان : انتشارات دانشگاه آزاد
* فقیرپور، مجید.(1377)، ***«نظریه ابرازوجود و کاربرد آن»،*** ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش سال سیزدهم، شماره هشتم، صص 14-10.
* ﻓﻨﺴﺘﺮﻫﺎﻳﻢ، ﻫﺮﺑﺮت، وﺑﺮ، ﺟﻴﻦ (1382)، ***روانﺷﻨﺎﺳـﻲ آﻣـﻮزش ﻗﺎﻃﻌﻴـﺖ*** ، ﻋﺒﺎس ﭼﻴﻨﻲ، اﻟﺒﺮز، ﺗﻬﺮان؛
* قلی، اسداله. (1375). ***بررسی رابطه بین همنوایی وعزت نفس***. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
* قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی. (1387***). بررسی رابطه میزان عزت نفس وترتیب تولد در دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد***. فصلنامه تازه‏ها و پژوهش های مشاوره، 7، 26، 127-117.
* کدیور، پروین. (1382). ***روانشناسی تربیتی.*** تهران: انتشارات سمت.
* کرمی نوری، رضا؛(1388). ***مطالعه عوامل مؤثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران***. مجله
* روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و نهم، شماره 3.
* کریمی، یوسف. (1387). ***روانشناسی تربیتی***. تهران: ارسباران.
* کرین، ویلیام. (1384***). نظریه‏های رشد،مفاهیم وکاربردها*** (ترجمه غلامرضا خویی نژاد و علیرضارجایی). تهران: رشد.
* ﻛﻴﺎﻣﺮﺛﻲ، آذر (1392). ***ﺑﺮرﺳﻲ اﺛﺮﺑﺨﺸﻲ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه ﺑﺮ ﻛﻔﺎﻳﺖ اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ داﻧﺶ آﻣﻮزان ﻣﺒﺘﻼ ﺑﻪ اﺧﺘﻼل رﻳﺎﺿﻲ.*** ﻓﺼﻞ ﻧﺎﻣﻪي ﻧﺎﺗﻮاﻧﻲﻫﺎي ﻳﺎدﮔﻴﺮي. 108 ،(1)1- .94
* گنجی ،لیلا . (1383). ***بررسی رابطه میزان و ابعاد کمال‏گرایی با عملکرد تحصیلی ، افسردگی و اضطراب دانش آموزان دبیرستان های شهر تهران در سال تحصیلی 84-1383.***
* ليو بوچانان ، اندرو اوكانل. (1385). ***تاريخچه تصميم‏گيري***. ترجمه دكتر عبدالرضا رضايي نژاد، نشريه گزيده مديريت، سال هفتم، شماره57
* مسیح آبادی، علی. ناصری، حسین. (1387)،***روشهای تقویت عزت نفس درنوجوانان، ،مشهد،آستان قدس رضوی***.
* سلامت روان،76 فصلنامه تازه هاي رواندرماني، سال شانزدهم، شماره 55 و. 56
* مفتاح، سیمین. (1381). ***رابطه کمرویی وعزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانش­آموزان دوم راهنمایی شهر تهران***. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
* مظاهری، حمید.(1379). ***عناصر بنیادی پرورش تفکر*** ، اندیشه های نوین تربیتی ، دوره 3 ،زمستان
* موسوی، معصومه.، حق شناس، حسن.، علی شاهی، محمدجواد.، نجمی، بدرالدین. (1387)***. اضطراب امتحان وبرخی عوامل فردی-اجتماعی مرتبط با آن در دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز***. مجله تحقیقات علوم رفتاری، 6، 1، 25-17.
* ﻣﻬﺪوي ﺣﺎﺟﻲ، ﻃﺎﻫﺮه (1389). ***ﺑﺮرﺳﻲ اﺛﺮ ﺑﺨﺸﻲ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه ﺑﺮ ﺷﺎدﻛﺎﻣﻲ، ﻛﻴﻔﻴﺖ زﻧﺪﮔﻲ و ﺗﻨﻈﻴﻢ ﻫﻴﺠﺎﻧﻲ داﻧﺸﺠﻮﻳﺎن داﻧﺸﮕﺎه ﺗﺮﺑﻴﺖ ﻣﻌﻠﻢ***. ﭘﺎﻳﺎن ﻧﺎﻣﻪي ﻛﺎرﺷﻨﺎﺳﻲ ارﺷﺪ داﻧﺸﮕﺎه ﺗﺮﺑﻴﺖ ﻣﻌﻠﻢ.
* ﻣﺤﻤﻮدی ﻋﺎﻟﻤﯽ، ﻗﻬﺮﻣﺎن. ﻋﻈﯿﻤﯽ، ﺣﻤﯿﺪه. ضرغامی، مهران. (1383). ***ﺗﺄﺛﯿﺮ آﻣﻮزش ﻗﺎﻃﻌﯿﺖ ﺑﺮ ﻣﯿﺰان اﺿﻄﺮاب و ﺟﺮأت‏ورزی داﻧﺸﺠﻮﯾﺎن ﭘﺮﺳﺘﺎری.*** ﻣﺠﻠﻪ ﻋﻠﻤﯽ داﻧﺸﮕﺎه ﻋﻠﻮمﭘﺰﺷﮑﯽ ﮔﺮﮔﺎن. ﺳﺎل ﺷﺸﻢ. ﺷﻤﺎره 14. ﭘﺎﯾﯿﺰ و زﻣﺴﺘﺎن***.***
* محمودی کهریز، ب. (1388). بررسی ***نقش متغیر میانجی تنظیم هیجان شناختی در ارتباط میان کمال­گرایی و***
* ***درماندگی روانی در جامعه­ی دانشجویی***. پایان­نامه کارشناسی ارشد روان­شناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.

## میرزایی، مریم. (1389). *[بررسي اثربخشي آموزش مهارت رفتار جرات‏مندانه بر کاهش گرايش به اعتياد. دانش آموزان مقطع سوم راهنمايي شهر کاشان در سال تحصيلي 1389-1388](http://database.irandoc.ac.ir/articles/583645)*

* نجف زاده، سعید.(1389). ***بررسی سلامت روان، منبع کنترل، خوداثربخشی در معلمین شهرسمنان***، ، پایان نامه کارشناسی چاپ نشده، دانشگاه سمنان.
* نظری نژاد، محمد حسین. (1372).***آموزش مهارتهای اجتماعی به کودکان***، ، مشهد، آستان قدس رضوی
* ﻧﻮاﺑﻲﻧﮋاد، ﺷﻜﻮه (1380)، ***راﻫﻨﻤﺎﻳﻲ و ﻣﺸﺎورة ﮔﺮوﻫﻲ*** ، اﻧﺘـﺸﺎرات ﺟﻬـﺎد داﻧﺸﮕﺎﻫﻲ داﻧﺸﮕﺎه ﺗﺮﺑﻴﺖ ﻣﻌﻠﻢ
* ﻧﻮﻳﺪي، اﺣﺪ (1387). ***ﺗﺄﺛﻴﺮ آﻣﻮزش ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺧﺸﻢ ﺑﺮ ﻣﻬﺎرتﻫﺎ، ﺳﺎزﮔﺎري داﻧﺶ آﻣﻮزان ﭘﺴﺮ دوره‏ي ﻣﺘﻮﺳﻄﻪي ﺷﻬﺮ ﺗﻬﺮان***. ﻣﺠﻠﻪي روان ﭘﺰﺷﻜﻲ و روانﺷﻨﺎﺳﻲ ﺑﺎﻟﻴﻨﻲ اﻳﺮان، 394-403 ،4.
* نیکنام، ماندانا. (1389). ***رابطه باورهای کمال‏گرایانه ورفتارهای خودناتوان ساز در دانشجویان***. مجله علوم رفتاری، 4، 2، 108-103.
* هادي زاده مقدم،اكرم. طهراني، مريم.(1387). ***بررسي رابطه بين سبك هاي عمومي تصميم گيري‏مديران در سازما نهاي دولتي***. تهران: نشريه مديريت دولتي. دوره 1، شماره 1، پاييز و زمستان
* هارجی، کريستین، ديکسون، ديويد (1377 ). ***مهارت های اجتماعی در روابط میان فردی***، ترجمه خشايار بیگی، مهرداد فیروز بخت، تهران: انتشارات رشد.
* هاشمی، ل، لطیفیان، م. (1388). ***بررسی رابطه­ی بین کمال­گرایی و جهت گزینی هدف در میان دانش­آموزان***
* ***پیش دانشگاهی دولتی (با گرایش علوم تجربی و ریاضی)***. مطالعات روان­شناسی دانشکده­ی علوم تربیتی و روان­شناسی دانشگاه الزهرا، ، 3.
* ﻫﻮاﻳﻲ، ﻋﻠﻴﺮﺿﺎ (1388). ﺑﺮرﺳﻲ ***ﺗﺄﺛﻴﺮ آﻣﻮزش رفتار جرات‏مندانه ﺑﺮ اﻋﺘﻘﺎدات ﺧﻮدﻛﺎرآﻣﺪي و اﺳﺘﺮس ﺗﺤﺼﻴﻠﻲ داﻧﺶآﻣﻮزان ﺳﺎل ﺳﻮم دﺑﻴﺮﺳﺘﺎن ﺷﻬﺮﺳﺘﺎن ﻧﻴﺸﺎﺑﻮر (1386 -87)***. ﭘﺎﻳﺎن ﻧﺎﻣﻪي ﻛﺎرﺷﻨﺎﺳﻲ ارﺷﺪ داﻧﺸﮕﺎه ﺗﺮﺑﻴﺖ ﻣﻌﻠﻢ.
* ﻳﻌﻘﻮﺑﻲ، ﺣﻤﻴﺪ (1377)، ***ﺗﺄﺛﻴﺮ ﺟﺮأت آﻣﻮزي ﺑﻪ روش ﮔﺮوﻫﻲ اﻳﻔﺎي ﻧﻘـﺶ ﺑﺮﻣﻬﺎرتﻫﺎي اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ داﻧﺶ آﻣﻮزان،*** ﭘﺎﻳﺎن ﻧﺎﻣﺔ ﻛﺎرﺷﻨﺎﺳﻲ ارﺷﺪ، داﻧﺸ ﮕﺎه ﻋﻼﻣﺔ ﻃﺒﺎﻃﺒﺎﻳﻲ
* **منابع انگلیسی :**
* Ablard, K. E., & Parker, W. D. (1997). ***Parents\_ achievement goals and perfectionism in***
* ***their academically talented children***. Journal of Youth and Adolescence, 26, 651–667.
* Accordino, B.(2008);***Psychology in the school***, Behaviour Research and Therapy, volume 56 Issue 6.
* Accordino, B. (2000).***clinical perfectionism: a cognitive behavioural analysis.***
* Behaviour Research and Therapy, 40, 773-791.
*
* Alvan, M. (2005). ***Decision and the state lines***. Tehran: Publication of books, reading and editing of Humanities University (left).
* Ames D.) 2009( .Pushing up to a point: ***Assertiveness and effectiveness in leadership and interpersonal dynamics.*** Research in Organizational Behavior.; 29: 111-33.
* Alberti, Robert E & Emmons ML.(1982) ***Your perfect right: a guide assertive*** ***living***. 4th ed. USA: Impact Publishers.
* Ashby, J. S., & Martin, K. G. (2005). ***Perfectionism, dysfunctional attitudes, and***
* ***selfesteem: A structural equations analysis***. Journal of Counseling and Development,
* 80, 197-203.
* Baiocco, R., Laghi, F., & D'Alessio, M. (2009). ***Decision-making style among adolescents: Relationship with sensation seeking and locus of control.*** Journal of Adolescence, 32(4), 963-976.
* Baker, S. R. & Williams , K. (2002). ***Relation between social problem-solving appraisals*** ***work stress and psychological distress in male firefighters***. Stress and Health, 17(4), 219-229
* Bandora, R. M. (1997). ***The moderator-mediator variable distinction in social***
* ***psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations***. Journal of
* Personality and Social Psychology, 51, 1173-1182.
* Blett, D. (1955). ***Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior*.**
* Psychol. Monogr, 75,43–88.
* Blustein, L; Phillips, D. (1990). ***Relation between ego identity statuses and decision-making styles***. Journal of Counseling Psychology, Vol 37(2), 160-168.
* Botvin, G. J., Griffin, K. W. (2004). ***Life skills Training Empirical finding and future Directions***. The Journal of Primary Prevention, 25.2
* Bruine de Bruin, W., Parker, A. M., & Fischhoff, B. (2007). ***Individual differences in adult decision-making competence.*** Journal of Personality and Social Psychology, 92(5), 938-956.
* Burns, M. (2008). ***The role of ethics in decision making by deans and division chairs of community colleges***. University of Gonzaga. Vol 65(4),
* Camble, B. (2006) . ***Teaching life skills for Student success: connecting****. Education and careers*, 81.
* Buchanes, F., & Ocanel, C. (2009). ***Predicting career indecision: A self-determination theory perspective***. Journal of Counseling Psychology, 50, 165–177.
* Buri, J. R. (1989). ***Self-esteem and appraisals of parental behavior***. Journal of Adolescent
* Research, 4, 33–49.
* Burka, J. B., & Yuen, L. M. (1983). ***Procrastination: Why you do it, what to do about it.***
* Reading, MA: Addison-Wesley.
* Burns, L R., Dittmann, k. Nguyen, N-L., Mitchelson, J. K. (2000).***Academic***
* ***Procrastination, Perfectionism, and Control: Associations with Vigilant and Avoidant Coping.*** Grand
* Valley State University, 35 – 46.
* Busko, D. A. (1998). ***Causes and consequences of perfectionism and procrastination: A***
* ***Structural equation model***.Unpublished master’s thesis,University of Guelph, Canada.
* Capan, B. E. (2010). ***Relationship among perfectionism, academic procrastination and life*** ***satisfaction of university students***. Procedia Social and Behavioral Sciences, 5, 1665–1671.
* Chang, E.C. (2000). ***Perfectionism as a predictor of positive and negative psychological***
* ***outcomes: Examining a mediation modeling younger and older adults***. Journal of
* Counseling Psychology, 47, 18-20.
* Clarke-Stewart, A., & Apfel, N (1979). ***Evaluating parental effects on child***
* ***development***.In L.S. Shalman (Ed.), Review of research in education (pp. 47-119).
* Itasca, IL: peacock
* Cline, J.(1991). ***The circumscription process of career aspirations in Esoain adolescents***. Europian Pacific Education
* Review, 2, 133–143.
* Comeau, K., Heibert, L.,(1997) ***From career decision-making styles to career decision-making profiles: A multidimensional approach***.Journal of Vocational Behavior, 56(2), 277-291.
* Cook, L.C & Kearney, C.A, (2009). ***Parent and youth perfectionism and internalizing psychopathology***, Personality and individual Differences, 46, 325 -330.
* Cooks, R.F. (2002). ***Assertive behavior therapy***. Research and Training: London and New York by rutledgo
* Coopman, T., & Pearl, G. N. (1990). ***A contextual-moderator analysis of emotional autonomy and adjustment in adolescence***. Child Development, 66, 793–811.
* Crossley, C. D., & Highhouse, S. (2005). ***Relation of job search and choice process with subsequent satisfaction.*** Journal of Economic Psychology, 26(2), 255-268.
* Dadji, K.L.(1985). ***Factors influencing the development of perfectionism***. A Thesis
* Presented to the Faculty of California State University, Chico.
* Dalal, R. S., & Bonaccio, S. (2010). ***What types of advice do decision-makers prefer?*** Organizational Behavior and Human Decision Processes, 112(1), 11-23. [doi: 10.1016/j.obhdp.2009.11.007](http://dx.doi.org/10.1016/j.obhdp.2009.11.007)
* Daviss, EL., Eshleman , J. (1998 ) ***At last, my research article on procrastination***. Journal of Research in Personality*,* 20, 474-495
* Deffenbacher, J., Zwemer, W. Whisman, M.A., Hill, R.W., & Sloan, R. (1986).
* ***Irrational beliefs and anxiety***. Cognitive Therapy and Research, 10, 281-292.
* Deft, R. L. (2001). ***Essentional of Organization Theory & Design, (7th ed)***”. South-Western: Thomson Learning.
* Delolti, R. D. (1981). ***Essentials of his science, theory, classification, assessment, and***
* ***theory***. Journal of Personality Assessment, 72(3), 330–352.
* Delshad Tehrani, M. (2007). ***Lord of the loan***. Tehran: the sea.
* Dewitte, S., & Schouwenburg, H. C. (2002). ***Procrastination, temptations, and***
* ***incentives: the struggle between the present and the future in procrastinators and the***
* ***punctual.*** European Journal of Personality, 16, 469–489.
* Dewitte, S., & Lens, W. (2000). ***Procrastinators lack a broad action perspective***. EuropeanJournal of Personality, 14(2), 121–140.
* Dour, H. J., & Thurn, S. A. (2011***). The interaction between the superhero ideal***
* ***and maladaptive perfectionism as predictors of unhealthy eating attitudes and***
* ***body esteem****. Journal of Body Image*, 8, 93–96.
* Eberlin, Richard jay. (2005). ***“The realationship among leadership styles, decision making and organizational justice”***: alliant interuational university.
* Egan, S. J, & Rees, C. S. (2007). ***The role of dichotomous thinking and rigidity in perfectionism***. *Journal of Behavior Research and Therapy*, 45, 1813–1822.
* Ellis, Albert. 1962***. Reason and Emotion in Psychotherapy***. New York: Stuart.
*
* Eshbi , A., Raice, E,(2002) ***Decision-making style: Habit, style or both?*** Personality and Individual Differences Journal, 36(4), 931-944.
* Frost, R. O., Lahart, C.(1996). ***The development of perfectionism: A study of daughters***
* ***and their parents***. Cognitive Therapy and Research, 13(6), 469-489.
* Ferrari, J.R. Barnes, K.L. & Steel, P. (2009). ***Life Regrets by Avoidant and Arousal***
* ***Procrastinators: Why Put Off Today What You Will Regret Tomorrow****?*. Journal of
* individual differences, 3, 163 – 168.
* Ferrari, J. L. Johnson, & W. G. McCown (Eds.), Procrastination and task avoidance: Theory, research, and treatment (pp 137–167). New York: Plenum Pres.
* Flett, G. L., Blankstein, K., Hewitt, P. L., & Koledin, S. (2009). ***Components of***
* ***perfectionism and procrastination in college students.*** Social Behaviour and Personality,
* 20, 85–94.
* Flett, G. L., Blankstein, K. R., & Martin, T. R. (1995). ***Procrastination, negative self-evaluation, and stress in depression and anxiety: A review and preliminary model***. In J. R.
* Flett, G. L., Hewitt, P. L., Blankstein, K. R., & Dynin, C. (1994***). Dimensions of***
* ***perfectionism and Type A behaviour.*** Personality and Individual Diferences, 16,
* 477-485.
* Flett, G. L., Hewitt, P. L., Blankstein, K., Mosher, S.W. (1992***). Perfectionism, self –***
* ***actualization, and personal adjustment.*** Journal of Social Behaviour and Personality, 6,
* 147 – 160.
* Flett, G. L., Hewitt, P. L., Blankstein, K. R., & O'Brien, S. (1991***). Perfectionism and learned resourcefulness in depression and self-esteem***. Personality and Individual Diferences, 12, 61-68.
* Flett, G. L., Hewitt, P. L., Singer, A.(1995). ***Perfectionism and parental authority***
* ***styles***.Individual psychology, 1, 50 – 60.
* Flett, G. L., Sawatzky, D. L., & Hewitt, P. L. (1995). ***Dimensions of perfectionism***
* ***and goal commitment: a further comparison of two perfectionism measures*.** Journal of
* Psychopathology and Behavioral Assessment, 17, 111-124.
* Francois, F. (1999) ***Perfectionism, Anxiety, and Depression: Are the Relationships***
* ***independent?.*** [Cognitive Therapy an*I*d Research](http://link.springer.com/journal/10608) Journal Volume 25, [Issue 3](http://link.springer.com/journal/10608/25/3/page/1)
* Fulop, Janos, David, Roth, Schweik, Charles, (2006), ***“What is Mean Decision“,***
* ***Making in the Content of Eco-Informatics,*** www.google.com,p 204.
* Gary W N, Hapner P ,( 2006)***. Problem solving self appraisal, awareness and utilization of campus helping resources.*** Journal of Counseling Psychology.; 133(1) 39-44.
* Gati, I., Landman, S., Davidovitch, S., Asulin-Peretz, L., & Gadassi, R. (2010). ***From career decision-making styles to career decision-making profiles: A multidimensional approach***.Journal of Vocational Behavior, 76(2), 277-291.
* Galotti, K. M., Ciner, E., Altenbaumer, H. E., Geerts, H. J., Rupp, A., & Woulfe, J. (2006). ***Decision-making styles in a real-life decision: Choosing a college major***. Personality and Individual Differences, 41(4), 629-639.
* Gambetti, E., Fabbri, M., Bensi, L., & Tonetti, L. (2008). ***A contribution to the Italian validation of the General Decision-making Style Inventory.*** Personality and Individual Differences, 44(4), 842-852.
* Gary W N, Hapner P,( 2006) . ***Problem solving self appraisal, awareness and utilization of campus helping resources.*** Journal of Counseling Psychology.; 133(1) 39-44.
* Gilovich, B. K., & Medvec, S. C. (1994). ***The role of parental influences on young adolescents' career development.*** Journal of Career Assessment, 16, 198–217
* Gordon, A. (1983). ***The shapes of commitment development in emerging adulthood***. Journal of Adult Development, 15, 113–131.
* Gumnar, M. (2003). ***Perception of the family delinquency and emotional adjustment***
* ***among youth***. Personality and Individual Differentces, 20, 1169-1178.
* Hamachek, D. E. (1978***). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism***
* Psychology, 15, 27-33.
* Harris , M. (1998) ***the association between competition and manager ’ business segment reporting decisions .***journal of accounting research .Vol. 36 No.1
* Hewitt, P., L. (2009). ***Perfectionism [Fact Sheet]:*** Canadian Psychological Association, Ottawa, Canada.
* Hewitt, P., L.؛ Flett, Gordon L؛ Turnbull-Donovan, Wendy و Mikail, Samuel F. (2002). ***The Multidimensional Perfectionism Scale: Reliability, validity, and psychometric properties in psychiatric samples***. Psychological Assessment: A Journal of Consulting and Clinical Psychology، 3(3): 464.
* Hewitt, P. L., & Rick, L. (1989). ***Dimensions of perfectionism in unipolar depression***.
* Journal of Abnormal Psychology, 100, 98-101.
* Hollander, M.H. (1965). ***Perfectionism***. Comprehensive Psychiatry, 6, 94–103
* Hollander, M.H. (1963).***Pretreatment evaluation of anorexia nervosa***. In R.A. Vigersky (Ed.), Anorexia nervosa (pp. 43–54). New York: Raven Press
* Horney, K. (1950). ***Neurosis and Human Growth.*** New York: Norton and Co.
* Hoy, K. W. & Miskel, G. C. (2008). Educational ***Administration: Theory, Research, and Practice (8th Ed)***. New York: McGraw Hill, Inc
* Isen, M. (1993). ***Rethinking the value of choice: A cultural perspective on intrinsic motivation***. Journal of Personality and Social Psychology, 76, 349–366.
* Jakubowski, A. (1973 ) ). ***Self-efficacy as a mediator in the relationship between self oriented perfectionism and academic procrastination***.Social Behavior and Personality.
* Kagan, M., Cakir, O., Ilhan, T., Kandemir, M. (2011). ***The explanation of the academic***
* ***procrastination behaviour of university students with perfectionism, obsessive – compulsive***
* ***and five factor personality traits***. Procedia Social and Behavioral Sciences, 2, 2121–2125.
* Kahane, m. (1995). ***Family, self, and human development across cultures: Theory and applications (2nd ed.)***. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum.
* Karin, K. (2003). ***Gender influences in decision-making processes in top management teams***, Management Decision, Vol. 41 Iss: 10, pp.1024 – 1034.
* Kaucher, E. (2010). ***Ethical decision making and effective leadership***: Alliant International University.

# Kawamura , Y, Kathleen. Hunt, Sandra L. ,Randy o , Frost & Patricia Marten.(2001). *Perfectionism, Anxiety, and Depression: Are the Relationships Independent?*. [Cognitive Therapy and Research](http://link.springer.com/journal/10608) Journal Volume 25, [Issue 3](http://link.springer.com/journal/10608/25/3/page/1).

* Lay, C. H. (1986). ***At last, my research article on procrastination***. Journal of Research in
* Personality*,* 20, 474-495.
* Larenti, J. H., Bruch, A. M., & Hans, R. F. (2008***). Social anxiety and socially***
* ***prescribed perfectionism: Unique and interactive relationships with***
* ***maladaptive appraisal of interpersonal situations***. *Journal of Personality and*
* *Individual Differences*, 45: 55-61.
* Lay, C. H. (1988). ***The relationship of procrastination and optimism to judgements of time to***
* ***complete an essay and anticipated setbacks***. Social Behavior andPersonality*,* 3, 201-214.
* Lay, C. (1992). ***Trait procrastination and the perception of person-task characteristics***.
* Journal of Social Behavior and Personality,7, 483–494.
* Lay, C., & Schouwenburg, H. (1993). ***Trait procrastination, time management, and academic behavior***. Journal of Social Behavior and Personality, 8, 647–662.
* Lee, M. A., Schoppe-Sullivan, S. J., & Kamp Dush, C. A. (2012).***Parenting perfectionism and parental adjustment.*** Journal of Personality and Individual Differences, 52:454–457.
* Libby, P. A. (1993). ***Leaving high school: The influence and consequences for psychological well-being and career-related confidence.*** Journal of Adolescence, 26, 295–311.
* Loo, R. (2000). ***A psychometric evaluation of the General Decision-Making Style Inventory.*** Personality and Individual Differences, 29(5), 895-905
* Lou, Ch. H., Wang, X. J., Tu. X. & Gao, E. (2008***). Impact of Life Skills Training to Improve Cognition on Risk of Sexual Behavior and Contraceptive Use among VocationalSchool Students in Shanghai, China***. Journal of Reproduction & Contraception, 239-251.
* Luft, L. (1993). ***Parenting style as context: An integrative model***. Psychological Bulletin, 113, 487–496.
* Marshall, S. M., & Ocaner A. J. (2007). ***Exploring the dynamic nature of procrastination:***
* ***a latent growth curve analysis of academic procrastination.*** Personality and Individual
* Differences, 38, 297-309.
* Massey D, Alcaron R, Durand J, Gonzalez H. Return to Aztlan (1987). ***The Social Process of Migration from Western Mexico***. Berkeley: University of California Press.
* Masters, N. (1999).***Overcoming negative aspects of perfectionism***
* ***through group treatment***. *Journal of Rat-Emo Cognitive-BehavTher*, 26:
* 134–150.
* McCown, W., Petzel, T., & Rupert, P. (1987). ***An experimental study of some hypothesized behaviors and personality variables of college student procrastinators.***Personality and Individual Differences, 8, 781–786.
* Merriam-Webster's Collegiate Dictionary .Published January 1st 2003 by
* Merriam-Webster 11th edition.
* Millers, J. H., & Schwartz, K. H., Cooke, F. (1998). ***The determinants of private tutoring participation and attendant expenditures in Italy***. Europian Pacific Education
* Review, 11, 159–168.
* Moghaddam, A. Tehrani, M. (2008). ***Investigating the relationship between decision making styles of public managers in the final state organizations***. Journal of Public Management, (1) 1: 138-121.
* Moreno, J.L. (1946), ***The theatre of spontaneity, Beacon House***, Newyork;
* Myrkmaly, M. (2007). ***Leadership and management training***. Tehran: Publication Yastoroon.
* Nicholson, I. (1999). **A taxonomy of difficulties in career decision making**. Journal of Counseling Psychology, 43, 510–526.
* Nizbet, R. E., & Wilson, T. D. (1997). ***Telling more than we can know: Verbal reports on mental processes***. Psychological Review, 84, 231-259.
* Oliveira, Arnaldo, (2007***), A Discussion Of Rational And PsychologicalDecision Making Theories And Models: The Search For a Cultural–Ethical Decision Making Model*** , Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies, Vol 12, No 2, pp 12-13.
* Pett, M. (1984). ***A survey study of college faculty and student procrastination***. College
* Student Journal, 12, 256-262.
* Pitman, R. K. (2004). ***Regional cerebral blood flow in amygdale and medial prefrontal cortex during traumatic imagery in male and female Vietnam veterans with PTSD***. Archives of General Psychiatry, 61, 168-176.
* [Parker, A. M., Bruine de Bruin, W., & Fischhoff, B. (2007). ***Maximizers versus satisficers: Decision-making styles, competence, and outcomes***. Judgment and Decision Making, 2(6), 342-350.](http://journal.sjdm.org/jdm7830.pdf)
* Parker, Andrew M., Wandi Burine de Bruine & Baruch Fichhoff, (2007***),“Maximizers versus Satisficers: Decision–Making Styles, Competence and Outcomes “, Judgment and Decision Making***, vol. 2, no. 6.
* Patton, John R., (2003), *“Intuition in Decisions“,* Journal of Management Decision, p989 , The current issue and full text archive of this journal is available at [www.emeraldinsight.com/](http://www.emeraldinsight.com/0025-1747.htm)
* Petersen, l., Goodstein, J. (1994). ***The D.A.P.P. (Discovery of Professional Activities and Personal Projects): A new method for helping high school and college students develop their projects***. Orientation Scolaire et Professionnalle, 16, 347–355.
* Queen, R. (1980). ***Extending research on the consequences of parenting style for Chinese Americans and European Americans***. Child Development, 72, 1832–1843.
* Racus, M. (1986). ***Affective, cognitive, and be havioral differences between high and low***
* ***procrastinators.*** Journal of Counseling Psychology,33, 387-394.
* Rathous, J. B. (1975). ***The development and applications of social learning theory.*** New
* York: Praeger.
* Robins.s p.(2004). ***Organizational behavior***. Muhammad Ali's translation Parsayyan and Arabs. Tehran: Cultural Research Bureau.
* Rezazadeh, Samaneh (2010***). "The relationship between intelligence and moral*** ***decision-making styles of public managers,*** Ferdowsi University of Mashhad University of Medical Sciences in 1389." MS Thesis. Ferdowsi University of Mashhad. School of Psychology and Educational Sciences.
* Rochester S, Kilstoff K, Scott G.(2008) ***Learning from success: Improving undergraduate education through understanding the capabilities of successful nurse graduates.*** Nurse Education Today.
* Rodriguez, N., Myers, H. F., Morris, J. K., & Cardoza, D. (2012). ***Latino college student adjustment: Does an increased presence offset minority- status and acculturative stresses?*** Journal of Applied Social Psychology, 30, 1523–1550
* Rinald, L., Crusier , k. (1997 )***The role of ethics in decision making by deans and division chairs of community colleges***. University of Gonzaga. Vol 65(4),
* Rilly, C., Lee, M., Cooper, Z., Fairburn, C. G., & Shafran, R. (2007). ***A***
* ***randomized controlled trial of cognitive-behavior therapy for clinical***
* ***perfectionism: A preliminary study****. Journal of Behavior Research and*
* *Therapy*, 45 . 2221–2231.
* Saddler, C. D., & Buley, J. (1999). ***Predictors of academic procrastination in college***
* ***students.*** Psychological Reports, 84, 686-688.
* Saddler, C. D., & Sacks, L. A. (1993). ***Multidimensional perfectionism and academic***
* ***procrastination: Relationships with depression in university students.*** Psychological
* Reports, 73, 863-871.
* Salter, A. (1949), ***Conditioned reflex therapy, Capricorn Press,*** Newyork;
* Schoemaker, A. F. (2010). ***The Relationship between Decision-Making Style and Negative Affect in College Students***: Drexel University
* Sapieja, K.M., Dunn, J.G.H. & Holt, N.L. (2001). ***Perfectionism and perceptions of***
* ***parenting styles in male youth soccer****.* Journal of Sport and Exercise Psychology, 1, 20 –
* 39.
* Schultz, D.P.& Schultz, S. E. (2001). ***Educational achievement in Germany society: Psychological analysis of academic success of Germany adolescents***. Germany Journal of Psychological and Social Issues, 14, 63–109.
* Scott, S. G., & Bruce, R. A. (1995). “***Decision-making style: The development and assessment of a new measure”.*** *Educational and Psychological Measurement*, 55(5), 818-831.
* Seo., E. H. (2008). ***Self-efficacy as a mediator in the relationship between self-oriented***
* ***perfectionism and academic procrastination***.Social Behavior and Personality.
* Shafran, R., Cooper, Z., & Fairburn, C.G. (2002).***clinical perfectionism: a cognitive***
* ***behavioural analysis***. Behaviour Research and Therapy, 40, 773-791.
* Shafran, R, Mensell G..)2001).***The intergenerational transmission of perfectionism:***
* ***parents' psychological control as an intervening variable***. J Fam Psychol, 19,358-66
* Shafir, Y. (1993). ***Is Asian American parenting controlling and harsh? Empirical testing of relationships between Korean American and Western parenting measures***. Asian American Journal of Psychology, 4, 19–29.
* Simon, N. (1997). ***High school students' career-related decision-making difficulties***. Journal of Counseling and Development, 79, 331–340.
* Singh, R., & Greenhaus, J. H. (2004). ***The relation between career decision-making strategies and person-job fit: A study of job changers***. Journal of Vocational Behavior, 64(1), 198-221.
* Slaney, k. (2000). ***Counseling The Procrastinator In Academic Settings. Washington D.C.***
* American Psychological Association.
* Smith, E. (2011). ***The intuitive style: Relationships with local/global and verbal/visual styles, gender, and superstitious reasoning***. Journal of Learning and Individual Differences Vol 21, PP 263–270.
* Smith, E. L., & Maxim, R. M. (1999). ***Intrinsic motivation and self-determination in human behavior***. New York: Plenum.
* Spicer, David P. & Sadler–Smith, Eugene (2005), ***An examination of the general decision making style***, Journal or Managerial Psychology,Vol 20 , No 2 , pp 137-138.
* Spiellberger, C.D., Gorsuch, R.L., & Lushene, R.E. (1990). ***Manual for the State-Trait***
* ***Anxiety Inventory***. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
* Stada, H. E. (1994). ***Barriers to adolescents' information seeking for career decision making.*** Journal of the American Society for Information Science, 50, 38–48.
* Stouber,J., Otto, K., Pescheck, F., Becher, C., Stoll, O. (2007). ***Perfectionism andcompetitive anxiety in athletes: Differentiating striving for perfection and negative perfection***.Personality and Individual Differences, 42, 959-969.
* Stouber, J., Feast, A. R., & Hiwaro, J. A. (2009). ***Self-oriented and socially prescribed perfectionism: Differential relationships with intrinsic and extrinsic motivation and test anxiety***. *Journal of Personality and Individual Differences*, 47(5), 423–428.
* Strasser, F.(1999). ***Over-time changes in adjustment and competence adolescents from***
* ***authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families***.Child Development, 65,
* 754-770.
* Stwart L., Weiss S.(1986). ***An assertiveness training program for indecisive students attending an Italian University***. Career Development Quarterly 51(4)
* Terry-short, L.A., Owens, R.G., Slade, P.D., & Dewey, M.E. (1995). ***Positive and***
* ***negative perfectionism***. Personality and Individual Differences, 18, 663-668.
* Thompson, T. S. (2010). ***The impact of locus of control on decision making styles of mid-level managers:*** Capella University
* Thompson, T. S.(1994 ) ***The role of ethics in decision making by deans and division chairs of community colleges*** Capella University 56(2),
* Thompson, T.S., Davidson, S.A. (1998). ***The influence of parental support, knowledge,***
* ***and authoritative parenting on Hmong and European American adolescent development***.
* Journal of Family Issues, 9, 1214 – 1232.
* Thunholm, P.(2004). ***Decision-making style: Habit, style or both?*** Personality and Individual Differences Journal, 36(4), 931-944.
* Thunholm, P. (2008). ***Decision-making styles and physiological correlates of negative stress: Is there a relation?***Scandinavian Journal of Psychology, 49(3), 213-219.
* Thunholm, P. (2009). ***Military leaders and followers - do they have different decision styles?*** Scandinavian Journal of Psychology, 50(4), 317-324.
* Towned , W. (2007). ***A meta-analytically derived nomological network of procrastination.*** Personality and Individual Differences, 35, 1401–1418.
* Turner, L. A و Turner, P. E. (2011). ***The reaction of behavioral inhibition and perceived parenting to maladaptive perfectionism in college students***. Personality and Individual Differences، 50: 840-44.
* Vieth, A. Z., & Trull, T. J. (1999). Family ***patterns of perfectionism: An examination of***
* ***college students and their parents***. Journal of Personality Assessment, 72, 49–67.
* Walker, L. (2004). **Overcoming the patterns of powerlessness that lead to procrastination**. In H.
* Schouwenburg, C. Lay, T. Pylchyl, & J. Ferrari, (Eds.), Counselling the
* procrastinator in academic settings (pp. 91-103). Washington: American
* Psychological Association.
* Weinz, H, & Koontz, H. (1993***), Management: A Global Perspective,*** International Edition, Tenth Edition,NewYork , p. 199.
* Wellford, J. (2005***). Life skills training***. Journal of International Relations, 19, 687- 411.
* Wenzel, V. Weichold, K. & Silbereisen, R. K. (2009). ***The life skills program IPSY: Positive influences on school bonding and prevention of substance misuse.*** Journal of Adolescence, 1, 1-11.
* Wessly, N. A., & Smith, P. L. (1994). ***The role of family context in a social cognitive model for career-related choice behavior: A math and science perspective***. Journal of Vocational Behavior, 57, 348–364.
* Wilson, V. B. (2010). “***examing moral reasoning and ethical decision making among Mississippi’s community college administrators”:*** Mississippi university

Wolpe,J. (1992)," ***Objective Psychotherapy of the neveroses",*** South African Medical Journal, 28, 82582

1. - Quinn [↑](#footnote-ref-1)
2. Haris [↑](#footnote-ref-2)
3. - Shafir [↑](#footnote-ref-3)
4. - Dominance Structuring [↑](#footnote-ref-4)
5. - Montgomery [↑](#footnote-ref-5)
6. - Gordon [↑](#footnote-ref-6)
7. - Libby [↑](#footnote-ref-7)
8. - Luft [↑](#footnote-ref-8)
9. Smith & Maxim [↑](#footnote-ref-9)
10. Wessly [↑](#footnote-ref-10)
11. Coopman & Perl [↑](#footnote-ref-11)
12. - Centralization [↑](#footnote-ref-12)
13. - Formalization [↑](#footnote-ref-13)
14. - Confrontation [↑](#footnote-ref-14)
15. - Decision whether [↑](#footnote-ref-15)
16. - Decision which [↑](#footnote-ref-16)
17. - Contingent Decision [↑](#footnote-ref-17)
18. - Simon [↑](#footnote-ref-18)
19. - Nicholson [↑](#footnote-ref-19)
20. - Tactical Decisions [↑](#footnote-ref-20)
21. - Strategic Decisions [↑](#footnote-ref-21)
22. - Stenative [↑](#footnote-ref-22)
23. - Criteria [↑](#footnote-ref-23)
24. - Goals [↑](#footnote-ref-24)
25. - Preferences [↑](#footnote-ref-25)
26. - Strategies [↑](#footnote-ref-26)
27. Buchanel & ocanel [↑](#footnote-ref-27)
28. - Petersen [↑](#footnote-ref-28)
29. - GoodStein [↑](#footnote-ref-29)
30. - Satisficing [↑](#footnote-ref-30)
31. - Maximize the Maximums [↑](#footnote-ref-31)
32. - Maximax [↑](#footnote-ref-32)
33. - Noncompensatory [↑](#footnote-ref-33)
34. Cline [↑](#footnote-ref-34)
35. Hoy & Miskel [↑](#footnote-ref-35)
36. - Emotion [↑](#footnote-ref-36)
37. - Predecision Affect [↑](#footnote-ref-37)
38. - Isen [↑](#footnote-ref-38)
39. - Estrada [↑](#footnote-ref-39)
40. - Millers [↑](#footnote-ref-40)
41. - Schwartz [↑](#footnote-ref-41)
42. - Cooke [↑](#footnote-ref-42)
43. - Post decision [↑](#footnote-ref-43)
44. - Gilovich & Medvec [↑](#footnote-ref-44)
45. - Kahane man [↑](#footnote-ref-45)
46. - Hausted Medvec [↑](#footnote-ref-46)
47. - Perspective Theory [↑](#footnote-ref-47)
48. Smith [↑](#footnote-ref-48)
49. Sapieja, K.M., Dunn, J.G.H. & Holt, N.L [↑](#footnote-ref-49)
50. Schomaker [↑](#footnote-ref-50)
51. Kagan, M., Cakir, O., Ilhan, T., Kandemir, M [↑](#footnote-ref-51)
52. Obsessive-compulsive [↑](#footnote-ref-52)
53. Thampson [↑](#footnote-ref-53)
54. Wenzel, Weichold & Silbereisen [↑](#footnote-ref-54)
55. Hatchinson, A.J. & Yates, G.C.R. [↑](#footnote-ref-55)
56. Self - striving [↑](#footnote-ref-56)
57. Concern for mistakes [↑](#footnote-ref-57)
58. Direct expectations [↑](#footnote-ref-58)
59. outstanding [↑](#footnote-ref-59)
60. Maternal goal expression [↑](#footnote-ref-60)
61. Lou, Wang, Tu & Gao [↑](#footnote-ref-61)
62. Camble [↑](#footnote-ref-62)
63. Seo [↑](#footnote-ref-63)
64. Kenney-Benson, G.A., and Pomerantz, E.M [↑](#footnote-ref-64)
65. Baker & Williams [↑](#footnote-ref-65)
66. Rodriguez, Myers, Morris, & Cardoza [↑](#footnote-ref-66)
67. Flett, G.L., Blankstein,K.R., Hewitt,P.L. and Koledin,S [↑](#footnote-ref-67)
68. Generalized procrastination [↑](#footnote-ref-68)
69. Blustein & Philips [↑](#footnote-ref-69)